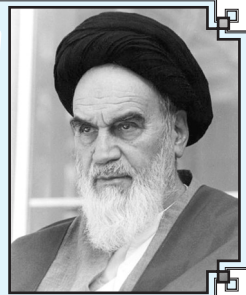


امام خمینی؛ پاپ وواتیکان



صفحه ۲



هشدار امام!

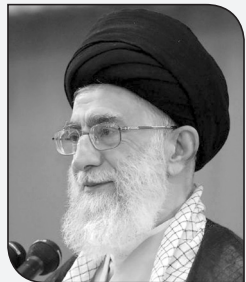
«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از دشمنان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

سال سی و چهارم ♦ شماره ۱۹ ♦ شماره مسلسل ۱۴۶۶ ♦ نیمه دوم دی ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

رهبر انقلاب:

برای رفع مشکلات کشور باید به نیروی درونی توجه شود



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از علما، فضلا، روحانیون و قشرهای مختلف مردم قم، یکی از ابعاد مهم حادثه ۱۹ دی سال ۱۳۵۶ را اقدام و عمل، با تکیه بر ایمان راسخ و همراه با بصیرت، و در سخت ترین شرایط، دانستند و تأکید کردند: مهمترین درس حادثه ۱۹ دی قم، این است که برای عبور از مشکلات باید با ایمان راسخ و بصیرت نسبت به دشمن و فراموش نکردن دشمنی او، بر توانایی ها و ابتکارهای داخلی ملت و استعدادهای جوان تکیه کرد و چشم به خارج ندوخت.

حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار با اشاره به یکی از آیات سوره روم قرآن کریم که خداوند نصرت و یاری مؤمنین را، حتی بر عهده خود می داند، گفتند: وعده حتمی خداوند متعال در این آیه، مربوط به شرایطی است که مؤمنین هیچ روزنه امیدی در مقابل جبهه عظیم دشمنان نداشتند و آن روزی هم که مردم و جوانان و طلاب قم برای دفاع از امام (ره) و پرچم برافراشته مبارزه بر ضد طاغوت، به خیابانها آمدند و خون آنها بر زمین جاری شد، هیچکس تصور نمی کرد که این حادثه، چنین تأثیر و برکتی خواهد داشت. ایشان تأکید کردند: اگر ایمان راسخ، با بصیرت، اقدام و عمل، و استقامت و ایستادگی همراه شود، نصرت الهی قطعی خواهد بود.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: اگر در مواردی نصرت الهی شامل حال مؤمنین نمی شود، به دلیل ضعف ایمان یا غلط بودن ایمان و یا ایمان بدون بصیرت است زیرا نداشتن بصیرت همچون نداشتن چشم است و فردی که چشم ندارد، راه را تشخیص نمی دهد و به بیراهه می رود. علت اینکه بنده بر موضوع بصیرت در حوادث ۹ دی تأکید فراوان داشتم به همین علت است. ایشان علت پیروز نشدن حرکت و قیام برخی ملت ها را، نبود برخی شرایط تحقق نصرت الهی دانستند و تأکید کردند: ملت ایران توانست همه این شرایط اعم از ایمان راسخ، بصیرت، اقدام و ایستادگی را فراهم کند زیرا راهنمای صادق و ماهری همچون امام خمینی (ره) داشت که فقهی آگاه به مسائل جهان، بریده از مطامع و منافع مادی شخصی و آگاه به کتاب و سنت بود. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم تأمل در گذشته و درس گرفتن از نقاط قوت و ضعف آن، خاطرنشان کردند: کسی نباید دچار این توهم شود که دشمنان انقلاب اسلامی، امروز از دشمنی خود منصرف شده اند.

حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: البته ممکن است هر دشمنی ناچار به عقب نشینی شود ولی نباید از دشمن و جبهه دشمن غافل شد و نباید لیخند دشمن را جدی گرفت و فریفته آن شد. ایشان با تأکید بر اینکه هیچگاه نباید هدف را فراموش کرد، گفتند: هدف جمهوری اسلامی ایران، رسیدن به آرمانهای اسلام یعنی پیشرفت مادی و معنوی بشر است و رسیدن به این هدف والا جز با ایمان راسخ و بصیرت در مسائل جاری و غافل نشدن از دشمن، امکان پذیر نیست.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: اینکه بنده بارها گفته ام افق نظام جمهوری اسلامی ایران روشن است، به این دلیل است که مردم ما دارای ایمان، بصیرت و دشمن شناسی و همچنین دارای روحیه کار و ابتکار هستند. در کدام مسئله بوده است که جوانان ما وارد شده و توانسته باشند، موضوع را حل کنند. هر جا زیر ساخت آمده ای بوده است، جوانان ما به پیش رفته اند و همه اینها، به برکت استعداد و توانایی است که خداوند متعال در این ملت قرار داده است.

ایشان افزودند: توصیه همیشگی من به مسئولین این است که برای رفع مشکلات کشور باید به نیروی درونی توجه شود و چشم به بیرون دوخته نشود. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه هیچ شکلی در حضور فعالانه در عرصه خارجی و بین المللی نیست، خاطرنشان کردند: اما باید امید ما به پشتیبانی و کمک الهی و نیروی داخلی ملت و کشور باشد و همین نگاه است که کشور را بیمه خواهد کرد.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود، جایگاه مردم قم را در دوران مختلف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بویژه مقاطع حساس، برجسته و ممتاز دانستند و تأکید کردند: قم به عنوان مرکز روحانیت شیعه و اسلام، نماد عظمت جمهوری اسلامی ایران است.

حدیث روزگار

جلال آل احمد و مسجد اعظم قم



استاد سید هادی خسروشاهی

تاریخ تعرض به مفهوم مقدس مهدویت در گفتگو با حجت الاسلام دکتر جعفریان



سرنوشت در هم تنیده شیعه و سنی



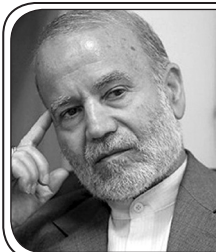
حجت الاسلام والمسلمین مبلخی

دکتر غلامرضا اعوانی:

شیخ صفی الدین اردبیلی، ولایت عرفانی و شیعی را باهم جمع کرد



در گفتگو با دکتر آئینه وند بررسی شد: شیعه جعفری، تندروی و انقلابی گری یا اعتدال و علم پروری؟



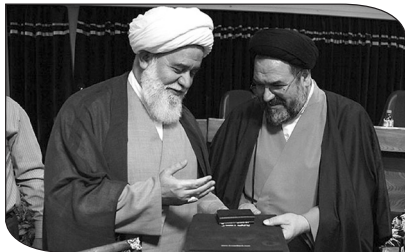
دکتر گلشنی:

فرهنگ روی «غلطک عقلانیت» نیفتاده است



نظریه های اقتصادی نیاز به بازنگری جدی دارد

در همان دوران هم روشنفکران و طلبه ها نسبت به مسائل اقتصاد مطالعه می کردند اما پس از انقلاب هرچند نقه تجلی جدی تر حوزه سیاست و مبنای سیاسی بود اما بازهم مسأله اقتصاد مطرح بود اما واقعیت ما هنوز هم اندر خم یک کوچه هستیم و اقتصاد اسلامی هویتی ندارد و اگر کسی بخواهیم آن را تعریف کند تعریف مشخصی ارائه نمی دهد و این بسیار نگران کننده است.



رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: در حوزه تولید نظر، نظریه پردازی و نظام سازی اقتصادی با مشکلاتی روبه رو هستیم که نیاز به حل و فصل و تبیین خط مشی جدی دارد.

آیین تکریم و اعطای جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی به حجت الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۲۱ دی ماه برگزار شد.

نظریه های اقتصادی نیاز به بازنگری دارد

در ابتدای این مراسم، حجت الاسلام دکتر رشاد با اشاره به نهم ربیع الاول که به غدیر دوم نیز معروف است، افزود: در این روز امامت حضرت حجت آغاز شده و امیدوارم خداوند به همه ما صلاحیت یوری ایشان را عطا کند.

وی در ادامه افزود: نقطه ای که تلاقی جریان دین و سکولاریسم در دهه های اخیر بود، در مقام نظر و کوشش های علمی نقطه مهم سیاست یا علم مدیریت، جامعه شناسی، روانشناسی و دیگر رشته ها نیست بلکه مواجهه جدی تری در دهه های اخیر به نام اقتصاد در بر دارد.

وی با اشاره به اینکه این نقطه تلاقی به جهت هجمه وسیع مارکسیسم با جهان اسلام و خاصه ایران که در معرض آن بود و به لحاظ مجاورت با شوروی سابق و اهمیت تاریخی این کشور و منزلت خاص فرهنگی ما در خاورمیانه ایجاد شد، اظهار داشت: همه دوستان خاطراتی دارند که سرمایه گذاری بر ایران در حدی که مطلع هستیم کم و بیش زیاد بوده است و آنها هم که درگیر جریانات فکری بودند به خوبی از آن آگاه هستند.

حجت الاسلام والمسلمین رشاد با اشاره به اینکه سرمایه گذاری غرب به منظور رایج سازی تفکر خود در جامعه ما صورت گرفت، اظهار داشت: بنابراین در نظام های اجتماعی و اسلامی بین علما و فضای ما اگر در حوزه علوم انسانی اسلامی کاری انجام دادند در بحث اقتصاد بوده است البته همان مقدار کم کتابها بسیار کارگر افتاده است.

وی تأکید کرد: تنها کسی که با تفکر نظریه پردازی کرد مرحوم شهید صدر بود که هم چارچوب مشخص ارائه داد و هم تأثیرگذار بود و متفکران و روشنفکران را متوجه خود ساخت حتی خیلی ها نمی دانستند که وی روحانی است.

وی با اشاره به اینکه پیشینه کار نظریه پردازی و نوآوری علوم انسانی به مفهوم مدرن آن در بخش اقتصاد قابل توجه است، اظهار داشت: در آن دوران پیش از انقلاب رژیم بر این مباحث حساس بود و کمتر کسی در این باره می نوشت اما

حجت الاسلام رشاد با اشاره به اینکه با وجود گذشت سی و اندی سال از انقلاب بازهم کار جدی در تولید نظریه اقتصادی نکردیم، یادآور شد: چیزی که امروز به عنوان الگوی پیشرفت مطرح است که البته چتر وسیعی از مباحث را پوشش داده اما اساس زندگی مردم قرار نگرفته است و یک موجه سلیقه ای صرف شده است و ما اهتمام کافی و لازم نکرده ایم.

وی در ادامه یادآور شد: هنوز هم دیر نشده است، در پژوهشگاه می توانیم اقتصاددان ها را جمع کرده و جوانان مستعد را بیابیم و سرمایه گذاری ده ساله کنیم تا معضل اقتصاد نظر براساس اسلام رفع شود و ما مدام به حکم ثانوی و پیوند زن هر تصمیم به امر ولایت نپردازیم در همین پژوهشگاه پیش تر جلساتی با افرادی چون مرحوم بجنوردی، حجت الاسلام نمازی و رضوانی برپا کردیم.

حجت الاسلام رشاد با اشاره به اینکه من تمام مراجع را بی فاصله با نظام هماهنگ می دهم، افزود: باید این اشکال را رفع کنیم، فرصت های پیش رو را از دست ندهیم، باید درست تصمیم بگیریم در حوزه تولید نظر و نظام سازی کار کنیم و تصمیمات جدی بگیریم.

برای حرکت از بانکداری بدون ربا به سمت بانکداری اسلامی نیاز به نقشه راه داریم

همچنین در این مراسم ولی الله سیف، رییس بانک مرکزی با بیان اینکه برای او توفیق بزرگی است که امروز در این مراسم حضور یافته، افزود: استاد موسویان از جمله کسانی اند که ما مسائل بانک مرکزی را با ایشان در میان می گذاریم و احساس می کنیم که درک مستقیمی به مسائل اجرایی دارند.

وی در ادامه افزود: سال ها پیش در بانک مرکزی کمیسیونی برای ایجاد بانکداری بدون ربا تشکیل دادیم، این جلسه ها پنج سال به طول انجامید و من در محضر اساتیدی همچون موسویان بسیار تلمذ کردم و ابهاماتم رفع شد، حاصل این جلسات این شد که الگوی جدیدی برای بانکداری بدون ربا تنظیم شود.

ادامه در صفحه ۲

نظریه‌های اقتصادی نیاز به بازنگری جدی دارد

ادامه از صفحه اول

سیف با اشاره به اینکه حجت‌الاسلام موسویان را صاحب نظریه‌پردازِ اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی می‌داند، یادآور شد: شروع همکاری با ایشان برایم از دوران گذشته بوده است این نکته را باید تأکید کنم که در مقوله بانکداری اسلامی جا برای کار بسیار زیاد است، امروز ما نیاز به یک نقشه راه برای حرکت از بانکداری بدون ربا به سوی بانکداری اسلامی داریم. **«بانکداری بدون ربا» ۵۰ سال پیش مطرح شد** حجت‌الاسلام والمسلمین سید عباس موسویان در این مراسم در تشریح برخی از نظریات اقتصادی اسلامی گفت:اگر ما مسیر تاریخی بحث بانکداری را در نظر بگیریم صد سالی از بانکداری با این عناوین می‌گذرد متفکرین مسلمان وقتی این امر را مشاهده کردند با دوگانگی روبه رو شدند از طرفی دیدند که بانکداری خدمات شایسته‌ای دارد و از سوی دیگر آمیختگی آن با مباحث غیراسلامی را مشاهده کردند بنابراین تصمیم گرفتند که تفسیر دیگری از مباحثی مثل رباداشته باشند بنابراین گفتند که ممکن است معاملات بانکی اصلا ربا نباشد و بنابراین برخی نظریات در این حوزه شکل گرفت.

وی در ادامه افزود: در ابتدا تلاش شد تا با ارائه تفسیرهای جدید از دیدگاه اسلام و تلطیف کردن بهره، نظریات زیادی مطرح کنند. افراد زیادی در این حوزه ارائه دیدگاه کردند ولی خیلی از این نظریات جا نیافت غالباً نقد شد دیدگاه دیگری مطرح شد برخی خواستند با تفسیر معاملات بانکی وارد حوزه‌ای شوند که آنها را از فرض با بهره بودن خارج کنند و بگویند اینها ودیعه است، دیدگاه سوم از باب ضرورت و اضطرار بانکداری سنتی را با توجه به آموزه‌های اسلام مدنظر قرار داد اما هدف توجیه بانکداری سنتی و غربی بود این هم با وجود اینکه براساس مفاهیم قرآن بود ولی نتوانست جایگاهی پیدا کند.

حجت‌الاسلام موسویان با اشاره به اینکه ۵۰ سال پیش بانکداری بدون ربا مطرح شد، افزود: افرادی چون شهید صدر و دیگر علما نظریه بانکداری بدون ربا را مطرح کردند اساس این برحذف ربا از معاملات بانکی بود. نقطه تمرکز آن را هم اگر مطالعه کنیم دنبال این است که شکل اصلی بانکداری غربی، رابطه حقوقی در بانک است و اگر این را اصلاح کنیم مسائل فقهی حل می‌شود. براین اساس چارچوبی را ایجاد کردند و این تقریبا جا افتاد.

وی با اشاره به اینکه مدل کشورهای اسلامی از جمله ایران این نوع بانک داری بوده است، یادآور شد:از دو دهه گذشته این فکر مطرح شد که بانکداری بدون ربا گرچه گام خوب و ضروری است ولی کافی نیست ما باید به سمت بانکداری اسلامی حرکت کنیم این ایده‌ای مورد توجه متفکران مسلمان است و براساس آن الان در دو سه دهه اخیر مقالات متعددی تحت عنوان حرکت بانکداری بدون ربا به سمت اسلامی مطرح شده است. حجت‌الاسلام موسویان با اشاره به دو تفسیر خود از بانکداری اسلامی گفت: یکی اینکه اساس همان بانکداری غربی باشد و آن را براساس اسلام بازسازی کنیم دیدگاه دیگر می‌گوید ما براساس نظام اقتصادی اسلام و در چارچوب نظریه اسلام زیر نظامی به نام نظام اقتصادی اسلام طراحی کنیم و این بحث زیادی دارد. آنچه من مطرح کردم با توجه به بحث‌های مختلف این است که ما نمی‌توانیم دانش و تجربه بشری در طول قرون متمادی در حوزه پول و بانکداری را نادیده بگیریم و از سوی دیگر آموزه‌های اقتصادی اسلام را هم باید داشته باشیم و با توجه به نیازهای جامعه و توانایی بالفعل کردن مباحث نظری و کاربردی همه اینها را پایه یک نظریه تکامل تجربی بانکداری اسلام، از نقطه بانکداری بدون ربا به سمت نظریه بانکداری اسلامی پیگیری کنیم.

کتاب «مهدیان دروغین» آخرین اثری است که از حجت الاسلام و المسلمین دکتر رسول جعفریان استاد تاری‌خ دانشگاه تهران به بازار نشر آمده است. به فاصله کوتاهی از انتشار این کتاب، حجم وسیعی از استقبال جامعه فرهنگی کشور معطوف به این اثر شد. چه این‌که هم موضوع جذاب بود و هم آثار دکتر جعفریان به دلیل پژوهش‌های دقیق او در تاریخ اسلام همواره به عنوان آثار خوب و بعضاً مرجع تلقی می‌شود، به بهانه تجدید چاپ این کتاب، به سراغ ایشان رفتیم.

ظاهرا حضرت‌عالی در حال کار روی کتاب آخر خود «مهدیان دروغین» هستید تا در ویرایش جدید با مطالب جامع‌تری به بازار کتاب آید. چطور شد اصلا به سراغ این موضوع –مهدویت– رفتید و در ویرایش جدید چه مطالبی به کتاب اضافه خواهد شد؟

بالا گرفتن بحث‌های مهدویت توسط اطرافیان رئیس جمهور سابق و برخی محافل دیگر بنده را متوجه این موضوع کرد البته بحث ظهور از پیش از دولت احمدی‌نژاد شروع شد و در دولت ایشان و با حمایت‌های مالی که از برخی مؤسسات مهدویت گرای افراطی صورت گرفت، این بحث‌ها رو به ازدیاد گذاشت. به هر حال بنده به عنوان یک روحانی و علاقه‌مند به تاریخ فکر کردم قدری سابقه بحث‌های ظهور را دنبال کنم تا ببینم چه مسائلی در جریان بوده و این همه مهدی دروغین در تاریخ در چه شرایطی و به چه دلایلی ظهور کرده‌اند. اما درباره اضافات چاپ جدید، در بیشتر بخش‌ها در دل فصول کتاب، مطالبی افزوده ام. بخشی را که مربوط به مسائل نزدیکی ظهور در روزگار پس از انقلاب اسلامی و حتی در سال‌های اخیر بوده توسعه داده ام. برخی از رسائل ادعای ظهور را هم در پایان آورده‌ام که دو برابر بخش قبل است. در لایه‌لای کتاب بخشی مربوط به بحث علائم ظهور در دوره مشروطه است که اصلا در چاپ قبل نبود و در اینجا به صورت مفصل آمده است.

همان‌طور که حضرت‌عالی در مقدمه کتاب خود آورده‌اید، انتظار ظهور مختص به شیعیان و حتی مسلمانان نیست. اولین نشانه‌های موعودگرایی که حضرت‌عالی ضمن پژوهش‌های خود به آن رسیده‌اید کی و کجا بوده است؟

بحث ظهور یکی از بحث‌هایی است که در بیشتر ادیان بود و این را بارها نویسندگان و پژوهشگران مختلف یادآور شده‌اند. طبعاً به دلیل گستردگی آن و پذیرش آن در ادیان مختلف زمینه سوءاستفاده نیز از آن به همان اندازه رواج داشته و دارد. در دنیای اسلام هم بحث ظهور از همان آغاز مطرح بوده است. وقتی پیامبر(ص) رحلت کرد یکی از صحابه گفت که او نمرده و خواهد ماند و بعد از مرگ همه اصحابش، رحلت خواهند کرد. این نوعی مهدویت‌گرایی بود. بعدها در دوره بنی امیه جدی‌تر شد. برخی از فرقه‌های شیعه و سنی دنبال این بحث بودند. عباسیان هم خیلی سخت دنبال آن بودند. برای همین منصور نام پسرش را مهدی گذاشت. به‌هر حال ماجرا با شتاب پیش رفت.

آیا مهدیان دروغین دارای پایگاه‌های طبقاتی یا فرهنگی یکسانی بودند یا این‌که از هر طیف و طبقه‌ای در میان آن‌ها دیده می‌شود؟

تا آنجا که می‌دانیم بیشتر این افراد انتسابی به سادات داشتند و به اعتبار این که از نسل پیامبر(ص) هستند یا حتی نام و کنیه شان شبیه آن حضرت است، چنین ادعاهایی مطرح می‌کردند. به‌طور طبیعی افرادی از سادات چنین ادعاهایی داشتند که درس و تحصیلاتی هم داشتند و با حدیث و مذهب آشنا بودند. گرچه باید گفت، اغلب اینها و اطرافیان آن‌ها اگر هم از میان علما بودند، از قشری متوسط و پایین‌تر بودند. شاهدش آن که این قبیل ادعاها هیچ گاه در میان مجتهدان بزرگ و مراجع تقلید در طول قرون وجود نداشته است.

شما در کتاب به تعداد قابل توجهی از ادعاهای تاریخی مهدیان دروغین اشاره فرموده‌اید. چه می‌شود که برخی از این ادعاها بسیار سریع به فراموشی سپرده می‌شود اما

برخی دیگر در تاریخ منجر به شورش‌های گسترده اجتماعی و سیاسی شده است؟

دلیل این امر می‌تواند این باشد که این قبیل ظهورها اگر در شرایطی صورت می‌گرفت که می‌توانست رنگ مردمی به خود بگیرد، جاذبه بیشتری داشت. برخی از افرادی که مدعی ظهور بودند افراد زرنگی بودند و با فریبکاری‌های مختلف عوام را فریب می‌دادند. برخی هم آدم‌های ساده‌ای بودند. به هر حال ادعای ظهور در مواقعی رنگ سیاسی و قدرت طلبانه هم به خود می‌گرفت. گاهی حتی در قرن نوزدهم میلادی وجهه ضد استعماری هم داشت مثل جریان‌ی که مربوط به ظهور مهدی سودانی بود. باید هر مورد را جدا بررسی کرد.

افراد زیادی بوده‌اند که بر خلاف احادیث شیعه اقدام به پیش‌بینی زمان ظهور امام زمان(عج) یا شبیه‌سازی برخی اشخاص با امام غایب کرده‌اند. این افراد در طول تاریخ معمولاً با چه انگیزه‌هایی دست به این اقدامات می‌زدند؟

اخبار مربوط به ظهور، جلیلیات فراوانی دارد که امکان تطبیق با برخی از شرایط در آن‌ها هست. بسیاری از این اخبار هم به درستی گسترش فساد را یکی از علائم ظهور می‌دانند. این مسأله بهانه‌ای دست افراد زرنگ یا حتی ساده‌لوح و مقدس می‌دادند تا با استفاده از اینها بحث ظهور را مطرح کنند و بگویند ظهور خیلی نزدیک شده است. اشاره کردم که سوءاستفاده هم از این قضیه می‌شده و کسانی از این ابزار به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به قدرت استفاده می‌کردند.

ظاهراً ادعاهای ظهور در دوران بحران‌های اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بلایای طبیعی یا در دوران‌گذار سیاسی و خلأ قدرت بیشتر مطرح شده است. آیا پیوندی معین و چشمگیر بین این دوره‌ها و ادعاهای ظهور به چشم می‌خورد یا اساساً ربط خاصی به هم ندارند؟

همان طور که اشاره کردم، به دلیل آن که یکی از فلسفه‌های ظهور، رهایی بخشی مردم از مشکلات و فساد اعم از دینی و اجتماعی و جز آن است، بنابراین، مدعیان همیشه در شرایط سخت که مردم آماده شورش و قیام بودند، از وضعیت موجود استفاده کرده به جذب مردم می‌پرداختند. مهدویت نوعی امید به بهبودی اوضاع است و به همین دلیل، قشرهای ضعیف، به راحتی جذب کسانی می‌شدند که در این زمینه وعده به مردم می‌دادند. در روزگار پس از حمله مغول و حتی روزگاری پس از جنگ‌های ایران و روس در ایران و نیز فشاری که استثمار بر آفریقا آورد، این‌ها برخی از نشانه‌هاست که این مسأله را تأیید می‌کند.

به عبارت دیگر سؤال مشخص‌تر این است که آیا می‌توان برای پدیده تاریخی «مهدیان دروغین» دلایل ساختاری و جامعه‌شناختی ارائه کرد یا این‌که به جنبه‌های روانشناختی افراد برمی‌گردد؟

اساساً یکی از دلایلی که بنده این کتاب را نگاشتم، فراهم کردن زمینه برای بررسی همین موضوع است. این که ما تاریخ ظهور مدعیان را بدانیم، شرایط تاریخی آن‌ها را با هم مقایسه کنیم و دریابیم که آیا نقاط مشترکی از حیث اجتماعی و حتی فردی به لحاظ شخصیتی، در نوع این ظهورها وجود دارد یا خیر. بنده اشاراتی را در مقدمه یا در حین مباحث تاریخی داشته ام، اما این کاری است که باید بر اساس آن اطلاعات و با داشتن نگره‌های قوی‌تر انجام داد. **« فاطمی منتظر» اصطلاحی است که ابن‌خلدون در نوشته‌های خود به کرات مورد استفاده قرار می‌دهد و شما هم در فصل پنجم کتاب، فرازی را به تحلیل او از ادعای فاطمی منتظر در مغرب اختصاص داده‌اید. در مورد نظرات ابن‌خلدون درباره دولت فاطمیان و چگونگی تطبیق نظریات تاریخی او با شرق اسلامی توضیح می‌فرمایید؟**

ابن خلدون باور به مهدویت ندارد و این هم به دلیل این است که می‌گوید در منابع اصلی حدیثی اهل سنت

تاریخ تعرض به مفهوم مقدس مهدویت در گفتگو با حجت‌الاسلام دکتر جعفریان

در این باره کمتر روایت آمده است. این استدلال او را بارها جواب داده‌اند و اهل سنت هم با او موافق نیستند. اما یک اشتباه دیگر هم دارد و آن این است که اصل مهدویت را یک نظریه شیعی – فاطمی می‌داند. این سخن وی درست نیست. برای همین این مطلب را تکرار می‌کند. اولاً به دلیل این که به هر حال مهدویت یک نظریه اسلامی و عمومی است. بحث مهدویت، اصلاً یک بحث شیعی صرف نیست و بسیاری از سنیان در ادوار مختلف به اسم مهدی یا سفیانی مسأله مهدویت را قبول داشتند و از میان آن‌ها کسان بسیاری مدعی ظهور و مهدویت شدند. کتاب بنده شاهد این ماجراست که این جریان چه مقدار در میان اهل سنت بوده و این اختصاص به قرون اخیر هم ندارد بلکه از لحاظ تاریخی بسیار کهن است.

برخی چهره‌ها مانند حلاج هم هستند که در تاریخ ادبی ما نسبتاً محبوبند و در مورد آن‌ها داستان‌ها نوشته شده است. آیا در مورد آن‌ها هم بحث این‌که جزو مهدیان دروغین بوده‌اند ثابت شده است؟

در ادبیات کهن اسلامی، حلاج یک شخصیت متلونی است که رنگ مذهبی یا صوفیانه به شکل‌های مختلف دارد. اگر این تصویر واقعی هم نباشد، اخباری در این باره آمده و بسیاری از درگیر شدن او با بحث‌های مهدویت یاد کرده‌اند که بنده در کتاب آورده‌ام. اعتراف می‌کنم که دراین باره باید پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد. در منابع شیعه، از فریبکاری او در استفاده از باور شیعیان به مهدویت سخن گفته شده است.

آیا می‌توان دلیل این موضوع را به لحاظ تاریخی، نزدیکی عاطفی برخی جریانات صوفی‌گرایانه در اسلام با جریانات موعودگرا دانست؟ این همان ریشه‌ای است که به قول شما ابن‌خلدون ناباور به مهدویت هم ظاهراً در تحلیل‌هایش بدان اشاره می‌کند.

من بعید می‌دانم به‌طور کلی ارتباط دقیقی میان مهدویت‌گرایی و صوفی‌گرایی باشد.ارتباطی که بتوان گفت چون تصوف در ایران گسترده‌تر شده، مدعیان هم بیشتر شده‌اند. البته بسط آموزه‌های تصوف، به انتشار بیشتر افکار مربوط به ولایت بخصوص نظریه ابن عربی با اصلاحاتی شد، اما در خصوص مهدویت، سنی‌ها، چه صوفی چه غیرصوفی، زمینه این بحث‌ها را داشته‌اند و ارتباط خاصی به بحث تصوف ندارد. البته در زمانی که تصوف در ایران شایع شده هم، مهدیانی مانندسید محمدنوربخش بودند، اما پیش از آن و بعد از آن هم چنین جریان‌هایی بوده و ارتباط ویژه‌ای با تصوف ندارد. با این حال باز هم باید در این باره جداگانه تحقیقاتی صورت گیرد.

شاید اولین سلسله و حکومتی که در ایران به صورت سیستماتیک و سازمان‌یافته در کار سیاسی از توجیهات تئوریک مربوط به مهدویت استفاده می‌کردند، صفویان بودند که جناب‌عالی هم در کتاب فصل مجزایی به آن اختصاص داده‌اید. در عین‌حال دوره صفویه به یک معنا آغاز دورانی هم هست که نظریات مربوط به نیابت امام معصوم کم‌کم به صورت جافتاده‌ای در می‌آید. راجع به تحولات این دوره توضیح می‌فرمایید؟

در این باره دولت فاطمیان مصر مقدم بر صفویه هستند و بیش از همه از مهدویت استفاده کردند. بنده باید عرض کنم حتی عباسیان از مسأله مهدویت استفاده فراوانی کردند. مقصودم در جریان تأسیس این دولت است. آن‌ها برای مقابله با نفس زکیه (مقتول در ۱۴۵هجری) که پدرش و اطرافیان‌ش او را مهدی می‌دانستند و معرفی می کردند، فرزندش را مهدی نامید. البته این از روی باور نبود. بیشتر فریبکاری بود. البته صفویه مدعی بود که دولت پیشگام ظهور است. در این باره سرداران هم همین باور را داشتند. صفویان اعتقاد به این که خودشان مهدی هستند نداشتند. اما این عقیده را ترویج می‌کردند که دولت آن‌ها تا قیام قائم(ع) خواهد ماند. در این باره بنده مفصل در کتاب صحبت کرده‌ام و باورهای عامیانه‌ای را هم که درباره ظهور بوده آورده‌ام. روزنامه ایران

دکتر غلامرضا اعوانی:

شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ولایت عرفانی و شیعی را با هم جمع کرد

نخستین همایش بین‌المللی بزرگداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی ۱۶ دیماه برگزار شد. دکتر غلامرضا اعوانی رئیس انجمن فلسفه و حکمت ایران یکی از سخنرانان این همایش بود که طی سخنانی گفت: شیخ صفی‌الدین اردبیلی حق بزرگی به گردن ایران دارد، با وجود اینکه بعد از گذشت سی و چند سال و برگزاری کنگره‌های بسیار، تشکیل بزرگداشت شیخ صفی به تأخیر افتاده، اما هم‌اکنون این خلأ پر شده و جا دارد تا از این حرکت تقدیر شده و مصدر خدمات بزرگ فرهنگی کشور واقع شود.

وی در تبیین علل عظمت شخصیت شیخ صفی عنوان کرد: شیخ صفی‌الدین انسان بزرگی بود که توانست استعدادهای بالقوه جامعه عصر خود را به فعلیت برساند. او خواسته‌های درونی حضرت رسول را در زمان خود اجابت کرد. محبت اهل‌بیت یکی از مواردی بود که شیخ صفی‌الدین در عصر خود احیا کرد که در قرآن نیز تأکیدات فراوانی بر آن شده است. حضرت رسول(ص) در ازای ادای رسالت خود یک چیز را از امت خود می‌خواهد و آن محبت اهل‌بیت(ع) است که راهی به سوی خداوند است که در حدیث ثقلین و آیات بسیاری از قرآن کریم بر آن تأکید شده است.

وی ادامه داد: تحقق وعده خداوند در مورد مودت اهل‌بیت در زندگی شیخ صفی‌الدین جاری و ساری بود. از موارد دیگری که شیخ صفی‌الدین آن را محقق کرد، وعده‌های حضرت رسول در مورد ایرانیان بود. پیامبر در موارد بسیاری نکاتی را در مورد ایرانیان متذکر شده‌اند. همانطور که در مورد سلمان فرمودند او از یاران اختصاصی ما و از اهل‌بیت ما به شمار می‌آید. یکی از دستاوردهای حکومت صفویه که موجب عزت ایران بود حب اهل‌بیت و تحقق وعده‌های حضرت رسول و خداوند است.

دکتر اعوانی احیای مذهب جعفری را از جمله اقدامات دیگر شیخ صفی‌الدین دانست و افزود: مذهب جعفری در ایران برای نخستین بار به صورت مذهب رسمی درآمد. شیخ صفی‌الدین ولایت عرفانی و ولایت شیعی را در کنار هم جمع کرد. هیچ دینی بدون ولایت امکان‌پذیر نیست. اساس همه دین‌های ابراهیمی و غیرابراهیمی ولایت است. هر دینی دو جنبه دارد: جنبه خلق و جنبه حق. اگر دین به سوی حق وجهی نداشته باشد ساخته انسان بوده و از جنبه‌های الهی دور است. ولایت اساس عرفان و حلقه اتصال عرفان شیعه است. باید در مورد عرفان دقت‌های بیشتری صورت بگیرد. ولایت از فروع نیست که مورد غفلت واقع شود، بلکه یک اصل اعتقادی به شمار می‌آید و به نظر همه عرفا ولایت مطلقه به حضرت علی(ع) می‌رسد. شیخ صفی‌الدین در حکومت صفویه این دو معنا را در کنار هم گرد آورد.

وی در ادامه سخنانش افزود: توجه به علوم از ویژگی‌های دیگر شیخ صفی‌الدین است. در بخشی از پیام مقام معظم رهبری آمده شیخ صفی‌الدین اردبیلی بین علوم ظاهری و باطنی شریعت و طریقت را در کنار هم جمع کرد و بدون حقیقت دین این کار میسر نیست. طریقت، سلوک الی‌الله و شریعت احکام دین است. اگر شریعت به تنهایی موجود باشد، قابل قبول نیست و طریقت و حقیقت راهی به سوی حق است که در عرفان شیخ صفی‌الدین ظاهر می‌شود. در دوره شیخ صفی‌الدین علمای بزرگی مانند علامه حلی، سیدابن طاووس، علاءالدوله سمّانی و خواجه نصیر زندگی می‌کردند که همه‌شان در تشیع سهمی داشتند. خصوصیت دیگر شیخ صفی‌الدین اردبیلی فتوت و مردانگی بود که شرط عرفان و تشیع است. ولایت با فتوت آغاز می‌شود و رأس تاریخ فتوت حضرت علی قرار دارد.

دانشجویان هستند که می‌خواهند برای کشور تصمیم بگیرند اینها باید ذهنشان روشن باشد. این‌ها هستند که باید شبهات برایشان حل شود و نیاز به چنین پژوهشکده‌ای دارند، اما ترتیب اثری داده نشد.

دکتر گلشنی اظهار کرد: بنابراین می‌بینیم تصمیماتی که در حوزه فرهنگ گرفته می‌شود چندان عقلانی نبوده و نیست، اگر این تصمیمات روی غلطک عقلانیت بیفتد و کارهایمان جاذبه داشته باشد، خودش پیروان خود را جذب خواهد کرد و نیازی نیست که ما به دنبال مخاطب باشیم؛ خود افراد وارد این خط می‌شوند و خودشان دست به اصلاحات اخلاقی و فرهنگی می‌زنند.

مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف خاطرنشان کرد: هر مسئولی اگر بتواند در کارش سطح زیرین خودش را به حساب بیاورد و رابطه فرهنگی و اخلاقی‌ای با آن‌ها ایجاد کند، می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند. ما این کار را در جامعه خودمان نکردیم و این یک واقعیت است که باید آن را بپذیریم. به گفته این استاد فلسفه علم، متأسفانه ما فقط در فکر ابزارسازی و مهندسی و ساخت ماشین هستیم. البته این‌ها بد نیست و حتی لازم است ولی همه زندگی ماشین و ابزار فنی نیست. آنچه که باعث جذب علاقه افراد به زندگی و کشور و ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌شود، همین فرهنگ و نگاه فرهنگی است که متأسفانه این مقوله کمتر به نسل جوان ما القاء شده و می‌شود.

وی تصریح کرد: از سوی دیگر مسائل فرهنگی و اخلاقی باید در بستری آزاد و عقلانی مطرح شود و با کمک رسانه‌ها به عنوان یک دغدغه عمومی طرح شود. مثلاً چرا باید در همه کشورهای همسایه ما وضع رانندگی ما از همه بدتر باشد؟ چرا کشورهایی که از نظر تمدنی در نسبت با کشور ما از جایگاهی برخوردار نیستند، تا این حد قانونمند هستند اما ما با انواع بی‌قانونی‌ها مواجه‌ایم؟

دکتر گلشنی:

فرهنگ روی «غلطک عقلانیت» نیفتاده است

ما باید با زبان روز برای مردم و جوانان حرف بزنیم، ولی متأسفانه این کار را نمی‌کنیم و هنوز می‌خواهیم با زبان قدیمی با مردم این زمان حرف بزنیم. وی با بیان اینکه ابزارهای تبلیغ امروز دنیا با ابزارهای تبلیغ گذشته تفاوت‌های زیادی پیدا کرده، افزود: معتقدم اگر جاذبه ایجاد کنیم چرا باید مردم سراغ رسانه‌های بیگانه بروند؟ باید مطالب و برنامه‌های جالبی تهیه کنیم که ارزش‌ها و محتوای اخلاقی و دینی را با زبانی نو و شیوای جذاب ارائه کند تا مردم به آن‌ها رجوع کنند. یک دوست پاکستانی برای من تعریف می‌کرد که در یک ماه رمضان سریالی مذهبی پخش شد که همه مردم را به خود جذب کرد و تحت تأثیر قرار داد و افراد سعی می‌کردند به موقع خود را به منزل برسانند که آن را تماشا کنند.

استاد فیزیک و فلسفه علم دانشگاه گفت: بنابراین من فکر می‌کنم که مسئله اصلی درک این نکته است که دین و فرهنگ حساس و ظریف هستند و کار دینی و فرهنگی کردن به تبع این حساسیت و ظرافت، باید با ریزبینی و دقت توأم باشد و ظرافت کار دقیقاً مد نظر قرار گیرد و ما متأسفانه کمتر به آن توجه کرده‌ایم.

دکتر گلشنی تصریح کرد: برای مثال ما خودمان دو سال پیش به وزارت علوم و تحقیقات و فناوری پیشنهاد دادیم که یک پژوهشکده علم و دین و فلسفه در دانشگاه صنعتی شریف راه بیندازیم تا مسائل فلسفی علم و نسبت آن با دین را برای دانشجویان مطرح کرده و در صورت لزوم مشکلات آن‌ها را برطرف کنیم. پاسخی که به ما دادند این بود که در یک دانشگاه تخصصی جای چنین پژوهشکده‌ای نیست و اگر می‌خواهید چنین پژوهشکده‌ای تأسیس کنید باید بروید در دانشگاه علامه طباطبائی این کار را انجام دهید.

وی ادامه داد: من حرفم این بود که اینجا بهترین دانشگاه صنعتی و فنی کشور است که در آن دانشجویان علم و فن می‌آموزند و وارد جامعه می‌شوند، و چون این و سنی هر کدام یک قرآن مستقل دارند. ایشان می‌گویند در طول تاریخ اسلام همواره مسیحیان و یهودیان به مسلمانان غبطه می‌خوردند که یک کتاب واحد دارند. اما این ادعای وهابیت دل متعصبین مسیحیت و یهودیان را شاد می‌کند. در طول تاریخ اسلام هیچ‌گاه هیچ امام و متفکری از اهل تسنن از جمله شافعی، مالک، بخاری، سمرقندی نیشابوری و... این بحث را مطرح نکرده‌اند که شیعه یک قرآن مستقل داشته باشد.

این اندیشمند اسلام‌شناس یمنی الاصل اضافه می‌کند: همچنین در هیچ یک از گفته‌ها و آثار بزرگان شیعه و روایات ائمه(ع) در هیچ موردی قرآن واحد مسلمانان مورد اختلاف نبوده است. همه مسلمانان در طول تاریخ به یک قرآن واحد و یک کتاب مقدس اعتقاد داشته‌اند تا اینکه وهابیت یک بدعت تازه ایجاد کرد و متأسفانه این موضوع غلط را گسترش دادند که شیعه دارای یک قرآن مستقل است. من ۱۵ سال پیش کتابی به نام «روش گفتگو با وهابیت» را به زبان عربی نوشتم که به زبان فارسی هم ترجمه شده است. در این کتاب گفته‌های اهل تسنن درباره نقش وهابیت در گسترش اختلاف میان تسنن و تشیع آورده شده است. اگر توجه داشته باشید اکنون در اصطلاح ام‌القرای جهان اسلام، در جامعه مدینه و همچنین جامعه امام محمد سعود که من آنجا تحصیل کرده‌ام، ده‌ها پایان‌نامه فوق لیسانس و دکتری در رد وحدت اسلامی نگاشته شده است.

وی اضافه می‌کند از جمله کتاب معروف دکتر شیخ ناصر القفاری است که این کتاب در واقع پایان‌نامه وی در دوره فوق لیسانس است و نویسنده در آن کوشیده شخصیت‌های اهل تسنن و تشیع را که در طول تاریخ خدماتی برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی ارائه داده‌اند، نقد کند. وی ابتدا سیدجمال‌الدین اسدآبادی معروف به جمال‌الدین افغانی را نقد کرده که ایشان در

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: در فرهنگ با تفکری خام جلو رفتیم و تندروی‌هایی هم وجود داشته که جوانان با مشاهده آن‌ها به جایی رسیده‌اند که امروز وقتی چیزهای منطقی را هم به آن‌ها پیشنهاد می‌کنیم، از آن استقبال نمی‌کنند.

مهدی گلشنی، دکترای فیزیک از دانشگاه برکلی (۱۳۴۸) و از صاحب‌نظران مطرح عرصه مطالعات تطبیقی میان دو حوزه علم و دین در ایران است. وی برگزیده همایش چهره‌های ماندگار در عرصه فیزیک و برنده دو جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران است. گلشنی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف، عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی، عضو آکادمی علوم جهان اسلام و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است و تاکنون مسئولیت‌های متعدد علمی و فرهنگی را عهده‌دار بوده است.

وی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم درباره «مسئله فرهنگ» در کشور گفت: فرهنگ امری ظریف است و نمی‌توان آن را به فرد یا جامعه‌ای تحمیل کرد. فرهنگ را باید فهماند و اگر کسی آن را بفهمد دیگر از آن دست بر نمی‌دارد. به نظر من مسئولان فرهنگی در وهله نخست باید این نکته را متوجه شوند.

دکتر گلشنی ادامه داد: متأسفانه مشکلی که ما در حوزه فرهنگ داریم این است که برای انتقال تفکر و ارزش‌های اسلامی به جامعه با ابزار خاص خودش پیش نیامدیم و به همین دلیل نتوانستیم آن را در جامعه نهادینه کنیم. در زمینه فرهنگ با یک تفکر خام جلو رفتیم و تندروی‌هایی هم وجود داشته که جوانان با مشاهده آن‌ها به جایی رسیده‌اند که امروز وقتی چیزهای منطقی را هم به آن‌ها پیشنهاد می‌کنیم از آن استقبال نمی‌کنند.

مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف اظهار کرد: یکی از علمای نجف دو سال پیش به من می‌گفت

دشمنی وهابیت با سید جمال، محمد عبده و سید قطب از زبان عصام‌العماد



زمان معاصر بنیانگذار وحدت اسلامی بوده است. سیدجمال نخستین کسی است که به اهمیت وحدت جهان اسلام در دوران جدید پی برد. حتی یکی از متعصبین وهابیت در کتابش با عنوان «تذخیر الامم من کلب العجم» که بسیار معروف هم شده، شخصیت و اندیشه سیدجمال را مورد انتقاد قرار داده است.

به گفته عصام‌العماد امام محمد عبده، دومین شخصیت مهمی است که البته به برکت مجاهدات سیدجمال‌الدین اسدآبادی از پیشگامان بحث تقرب و وحدت جهان اسلام بود و به دلیل اندیشه‌هایش بسیار مورد انتقاد وهابیت قرار گرفته است. او مفتی مصری است که با شرح نهج‌البلاغه خود قدم بزرگی برای تقرب جهان تسنن و تشیع ایجاد کرد و من مطمئتم بدون تشویق‌های سیدجمال اسدآبادی این متفکر به شرح نهج‌البلاغه همت نمی‌گماشت. این احیای نهج‌البلاغه در جهان تسنن توسط مفتی اهل تسنن گام بزرگی است در احیای وحدت اسلامی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، یعنی اوایل مشروطه ایران صورت گرفته است. اکنون پایان‌نامه‌های بسیاری در دانشگاه‌های عربستان در نقد این دو شخصیت بزرگوار وجود دارد، از این جهت که این دو وحدت اسلامی را زنده کردند.

وی خاطرنشان می‌کند: از دیگر شخصیت‌هایی که در ایجاد وحدت اسلامی موثر بوده‌اند، شیخ محمد محمد المدنی است؛ شخصیت بزرگی که آثار بسیاری از خود به جای گذاشته و شما می‌توانید مطالب متعددی از او و درباره او فضای مجازی پیدا کنید. دیگری شهید امام سیدقطب از بزرگان جهان اسلام است؛ وی راهکارهای کاربردی برای ایجاد وحدت در جهان اسلام ارائه کرده و همین روست که کتاب‌های بسیاری در نقد او توسط وهابیت نوشته شده که از آن جمله می‌توان به پنج جلد کتاب شیخ ربیع المدخلی اشاره کرد.

عصام‌العماد شگردهای وهابیت برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام را برمی‌شمرد. او می‌گوید: در دانشگاه‌های بزرگ عربستان ده‌ها پایان‌نامه فوق لیسانس و دکتری در رد وحدت اسلامی و پیشگامان آن مانند سیدجمال، عبده و سیدقطب نوشته شده است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، دکتر عصام علی‌العماد الیمنی، شیعه‌شناس، متخصص در علم رجال و حدیث و تاریخ، مدرس مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و فارغ‌التحصیل مدرسه امام محمد سعود عربستان سعودی است. وی که خود زمانی پیرو وهابیت بوده و به مذهب تشیع گرویده، در گفت‌وگویی به بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی گفت‌وگو با تشیع در جهان اسلام پرداخته و معتقد است وهابیت و جریان تکفیری مهم‌ترین مهم‌ترین مانع وحدت اسلامی است که همواره و به‌ویژه طی دو دهه اخیر کوشیده است تا با انواع شگردها بین مذاهب اسلامی اختلاف‌انگیزی کند.

عصام‌العماد با استناد به سخنی از شخصیت بزرگ جهان اسلام و استاد سیدقطب، محمد بهی مصری می‌گوید: مرحوم بهی معتقد است از وقتی وهابیت ظهور کرده، تلاش می‌کند که وانمود کند اختلاف بین تشیع و تسنن بسیار عمیق است و این دو کاملاً متفاوت و دو تیم معارض‌اند. ایشان سعی می‌کند اثبات کند که تشیع و تسنن دو دین مستقل از یکدیگر هستند، نه اینکه هر دو یک مذهب اسلامی باشند که هر دو به اسلام خدمت کرده‌اند. این نگاه مرحوم دکتر محمد الیهی در کتاب معروف «التطور الفکر الاسلامی» مطرح شده که مورد اعتماد بسیاری از متفکرین اهل تسنن است.

وی می‌افزاید: شخصیت مهم دیگری به نام شیخ محمد غزالی مصری نیز در این زمینه بسیار اظهار نظر کرده و مباحث قابل توجهی مطرح کرده است. ایشان بر همین دیدگاه مرحوم محمد بهی تأکید دارد؛ خصوصاً بر این ادعای وهابیت که سعی دارد اثبات کند شیعه

اشاره

آنچه پیش رو دارید، سخنان آگاهی‌بخش امام خمینی درباره رسالت و اهداف حضرت عیسی(ع) می‌باشد. در این سخنرانی کشیشهای مسیحی، آقایان: جیمی آلن، دال وایت (اسقف اتحادیه کشیشان)، چارلز چزارتی (معاون ریاست کلیسای امریکایی)، چارلز کامبل (معلم مرکز مطالعات ادیان جهان از دانشگاه هاروارد)، جان والش (از دانشگاه برنستون)، ویلیام غربی (از دانشگاه برنستون)، توماس اریکس (استادیار تاریخ خاورمیانه در دانشگاه جرج تاون) حضور داشتند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

من متقابلاً ولادت عیسی مسیح را به همه ملت‌های مستضعف دنیا و به ملت مسیح و به مسیحیان هم‌میهن‌مان تبریک می‌گویم. عیسی مسیح همه چیزش معجزه بود. معجزه بود که از یک مادر باکره متولد شد. معجزه بود که در مهد سخن گفت. معجزه بود که برای بشر صلح و صفا و روحانیت آورد. همه معجزه، همه انبیا معجزه هستند، و همه برای ساختن بشر آمدند. همه می‌خواهند که بشر به راه مستقیم الهی سیر کند، و همه می‌خواهند که تمام افراد بشر در صلح و صفا و برادری زیست کنند. این وظیفه مأمورین الهی است که در دنیا آمده‌اند برای اینکه بشر را از این عالم به عالم بالا ببرند. و یک وظیفه هم روحانیین ملتها دارند؛ روحانیین مسیح، روحانیون مسلم، روحانیون یهود، همه روحانیون. و آن وظیفه تبعیت تام از پیغمبرها، و از آن‌هایی که آمدند برای تربیت بشر و برای صلح و صفا بین تمام افراد بشر. روحانیون در مرتبه اول واقع‌اند برای تحقق دادن به آرمان‌های انبیا که همان وحی الهی است. روحانیون یک وظیفه الهی دارند که این وظیفه الهی بالاتر از آن وظایفی است که سایر مردم دارند. یک مسئولیت الهی دارند. روحانیون مسئول‌اند در مقابل پیامبران و در مقابل خدای تبارک و تعالی. مسئول‌اند که تعلیمات انبیا را به مردم برسانند و دست مردم را بگیرند و از این گرفتاری‌هایی که دارند نجات بدهند.

مسئولیت روحانیون مسیح

مردم دنیا امروز مبتلا هستند به قدرتهای بزرگ، و به قدرتهایی که شیطانی هستند و در مقابل انبیای بزرگ ایستادند و نمی‌گذارند تعلیمات انبیا تحقق پیداکنند. روحانیت مسیح یک خصوصیت زیادی دارد، و آن اینکه قدرتهای بزرگ مسیحی هستند، مدعی مسیحیت هستند و آن قدرتهای بزرگ‌اند که در دنیا برخلاف تعلیمات خدای تبارک و تعالی که به همه انبیا تعلیم فرموده است و برخلاف تعلیمات عیسی مسیح عمل می‌کنند. روحانیت مسیح موظف است به حسب تعلیمات مسیح، و به حسب تعلیم خدای بزرگ که با این قدرتهایی که برخلاف مسیر انبیا و برخلاف مسیر مسیح رفتار می‌کنند مبارزه معنوی بکنند. آنها را ارشاد بکنند به ملت مسیح. هدایت کنند ملت مسیح را که تبعیت از این قدرتهایی که بر ضد مسیح هست نکنند.

من وقتی با روحانیین مسیح مواجه می‌شوم باید مسائلی که مربوط به روحانیت است عرض کنم. مسائل مربوط به شما این است که مسائل دنیا را آنطور که هست بررسی کنید، و ببینید به ملتها از دست مدعیان مسیحیت چه می‌گذرد. شما آمیدید ایران و معلوم نیست بتوانید در ایران آن قدر بمانید که شهدای ما را ببینید، قبور شهدای ما را ببینید. شما در بهشت زهرا رفتید و قبور یک عده از شهدا را دیدید. هر جای ایران بروید از این قبور هست. شما معلولین ما را ندیدید. هر جای ایران بروید کسانی که دست و پای خودشان را از دست دادند و مجروح شدند، معلول شدند و از زندگی ساقط شدند خواهید دید. چه خوب بود که شما مسیحیین و شما روحانیین مسیح یک مدتی می‌ماندید در ایران، و به شهرهای مختلف ایران و به دهات و روستاهای مختلف ایران می‌رفتید، و مشاهده می‌کردید آثار جرم آن کسی را (۱) که طرفدار او رؤسای جمهور امریکا بودند. آن کسانی که امریکا به ما تحمیل کرد و رؤسای جمهور امریکا تحمیل ما کردند.

کارنامه سیاه شاه

ای کاش می‌رفتید و می‌دیدید که جرم‌هایی که واقع شده است در ایران چه جرم‌هایی است. ای کاش در آن وقتی که شاه مخلوع ایران بود می‌آمدید و به شما اجازه می‌دادند که بروید و زندانهای ما را ببینید. ببینید در این زندانها به علمای اسلام، به روشنفکرهای ایران، به محصلین ایران، به دانشگاهیهای ایران چه می‌گذرد. ببینید که در این بیغوله‌هایی که در زیرزمین ایجاد کرده بودند و جوانهای متعهد ما را برای اینکه آزادی می‌خواستند، برای اینکه استقلال می‌خواستند، در این بیغوله‌ها با آنها چه رفتار کردند.

من اگر بخواهم برای شما کلیات مسائل را هم بگویم وقت ضیق است. لکن بدانید با این ملت همچو رفتار کردند که هیچ وحشی‌ای با هیچ وحشی عمل نمی‌کند. پاهای بعضی از جوانهای ما را با اره بریدند. بعضی از جوانهای ما را روی تابه گذاشتند و سرخ کردند. در حضور پدرها، پسرها را دست بریدند. پسرهای کوچک را برای اقرار گرفتن از پدر، کارهایی کردند که خجلت‌آور است گفتنش. و کارهایی کردند که به استاد اینکه ما مأمور هستیم از طرف دولتهای بزرگ، و مأمور برای وطنمان هستیم و مستند می‌شد همه اینها به رؤسای جمهور امریکا و امثال آنها، کارهایی شده است که ملت مسیح را اگر مطلع بشوند سرافکنده می‌کند. کارهایی کرده‌اند که روحانیت مسیح را در نظر مردم، شاید به آن قداستی که هستند برخلاف آن جلوه دهند.

انتقاد از مواضع و عملکرد روحانیت مسیح

شما روحانیت مسیح باید مسیح را از این تنگنایی که ایجاد کرده‌اند رؤسای جمهور شما، نجات بدهید. مسیح چشمش به علمای مسیحیین و سایر قشرها، روشن است. مسیح چشمش این است، مطالعه می‌کند، تحت نظر قرار داده است شما را، که شما با این ظالم‌هایی که با بشر اینطور کردند چه رفتار می‌کنید. آیا در کلیساهای شما هیچ وقت راجع به این جرایم صحبتی شده است؟ آیا از یاپ انکاری راجع به این مصایب شده است؟ آیا یاپ که ما را به حسب آن چیزی که در روزنامه بود محکوم کرده است که این گروهانها را نگه داشتیم، یاپ مطلع هست از اینکه اینها چه بودند و چه هستند؟ آیا محکوم کردن یک ملت ضعیف در خور شأن یک روحانی‌ای است که خود را روحانیت بزرگ مسیح می‌داند؟ آیا محکوم کردن آن‌هایی که پنجاه سال در زیر یوغ این قدرتهای بزرگی که با طرفداری حکومت‌هایی که خودشان را به مسیح نسبت می‌دهند و می‌گویند مسیحی هستیم، آیا هیچ وقت به اینها انکار شده است؟ آیا روحانیین مسیح انکار این اعمال ظالمانه‌ای که برخلاف دستورات عیسی مسیح – سلام‌الله علیه – است، هیچ وقت انکار این مسائل را کرده‌اند؟ ما در پاریس در عید مولود حضرت مسیح اعلامی کردیم و راجع به مظالمی که شده است، آنجا چیزهایی نوشتیم، و مع‌الأسف گفته شد که یاپ اجازه نشر آن را ندادند. چرا باید یک روحانیت بزرگ مسیح با مظلومها اینطور عمل کنند؟ چرا باید روحانیت بزرگ مسیح مظلومها را محکوم کنند و طرفداری از ظالم کنند؟

آیا شماها اطلاع ندارید از این جرمیه‌هایی که در اینجا واقع شده است؟ آیا شما اطلاع ندارید که یک ملتی را تمام ذخایرش را بردند و خودش گرسنه مانده است؟ آیا اطلاع ندارید که یک ملتی را چندین سال؛ در طول پنجاه سال، با زجر و زحمت تحت فشارها قرار دادند و همه دارایی او را به دولتهای بزرگ دادند؟ آیا روحانیت مسیح اطلاع ندارد که برخلاف گفته همه انبیا و برخلاف گفته مسیح داراییهای ایران را آقای کارتر حبس کرده است، سد کرده است در همه بانکها؟ آیا عیسی که برای عدالت آمده است و مردم را به عدالت می‌خواهد وادارد، و شما موظفید که عمل کنید به آن چیزی که عیسی مسیح فرموده است و ظالمها را وادار کنید به عمل کردن. آیا مطلع هستید که یک ملت ضعیف را چطور می‌خواهند در تحت فشار قرار بدهند؟ آیا مطلع هستید که حصر اقتصادی که آقای کارتر می‌خواهد انجام بدهد، معنایش این است که می‌خواهد – در نظر او این است – که سی و پنج میلیون جمعیت از گرسنگی بمیرد؟ آیا آقای یاپ

امام خمینی؛ پاپ و واتیکان

مطلع از این مسائل هست و ما را محکوم می‌کند؟ یا به او بد مسائل را می‌رسانند؟ اگر مطلع هست وای به حال ما و وای به حال مسیحیت و وای به حال علمای مسیح، و اگر مطلع نیست وای به

حال واتیکان. چرا باید شما آقایان که آمدید اینجا مسائل را آنطور که هست ادراک نکنید و به واتیکان چرا نباید برسانید؟ آیا واتیکان از شما قبول نمی‌کند؟ آیا واتیکان از اشخاصی که طرفدار ابرقدرتها هستند و طرفدار ظالمها هستند قبول می‌کند مسائل را، از مظلومین قبول نمی‌کند؟ آیا مظالم این ابرقدرتهایی که خودشان را به مسیحیت زدند و می‌چسبانند به حضرت مسیح، این مظالمی که اینها کردند، به کجا باید گفت؟ با کی باید در میان گذاشت؟ با شما روحانیین مسیح باید در میان گذاشت؟ با آقای پاپ باید در میان گذاشت؟

در برابر ظلم چرا سکوت؟

[[آیا] صدای ما به آقای پاپ می‌رسد؟ می‌گذارند برسد؟ اگر رسید ترتیب اثر به صدای مظلوم می‌دهد ایشان؟ بنای ایشان هست که با مظلومها، با آن اشخاصی که تحت ظلم هستند و برخلاف دستورات حضرت مسیح با آنها عمل می‌شود یک معارضه‌ای بکند؛ ایشان از این مظالمی که الآن در دنیا واقع می‌شود و با دست رئیس‌جمهور امریکا واقع می‌شود و قیلا شد و به دست رؤسای جمهور واقع شد، ایشان بی‌اطلاع هستند؟ ایشان نمی‌دانند در فلسطین و لبنان و ویتنام و سایر جاها چه می‌گذرد و از کی این مظالم واقع می‌شود؟ به آقای پاپ این مسائل اصلاً نمی‌رسد؛ ایشان در محاصره هست و کسی با او نمی‌تواند صحبت بکند؟ یا می‌دانند، مطلع‌اند، مسائل را می‌دانند و ساکت نشستند؟ ما این سؤال را داریم که چرا سکوت در مقابل ظلم؟ این دستور حضرت مسیح هست؟! چرا واگذار کردند ابرقدرتها را به حال خود تا هر چه جنایت می‌خواهند بکنند و هر چه مظلومان را می‌خواهند از بین ببرند؟

وظیفه پاپ

عیسی مسیح که پیامبر صلح هست و می‌خواهد صلح در دنیا باشد و الآن عید صلح هست. شما می‌دانید که در عید صلح در این مواردی که الآن اینها مشغول جنگ هستند چه می‌گذرد؟ شما از امثال این رؤسای جمهور باور می‌کنید که یک وقت می‌آیند و دعا می‌کنند، دعای آنها را باور می‌کنید؟ شما این تبلیغاتی که الآن در امریکا بر ضد ما می‌شود، این روزنامه‌هایی که بر ضد ما تبلیغ می‌کنند، این رادیوها و تلویزیونیهایی که بر ضد ما تبلیغات می‌کنند، آیا از آنها مطلع هستید؟ آیا از وضع مظلومها مطلعید و می‌دانید که این تبلیغات بر ضد مظلومها و بر وفق مرام ظالم‌هاست؟ شماها وظیفه ندارید که از این تبلیغات جلوگیری کنید؟ آقای پاپ وظیفه ندارند

که هدایت کنند این‌هایی که بر ضد مظلومین قیام کردند؟ با قلم خودشان، با قدم خودشان، با همه وسائل تبلیغاتی بر ضد مظلومین قیام کردند، آقای پاپ وظیفه ندارند از اینها جلوگیری کنند؟ پس کی وظیفه دارد؟ مذهب مسیح را کی باید ترویج کند؟ کی باید تعلیمات مسیح را به مردم بگوید؟ فقط تعلیمات مال آن قشر پایین است؟ تعلیمات مال این زاغه‌نشینان است؟ تعلیمات مال کشاورزان است؟ یا اولی به تعلیمات آن طبقه بالا هستند؟ آیا نباید آنها را به تعلیمات مسیح آشنا کرد؟

مذهب مسیح را دریابید

دردها زیاد است و نه وقت شما و نه وقت من مجال این دارد که دردهای یک ملت ضعیف را به شما برساند. من به شما که روحانیین مسیح هستید، به وسیله شما به ملت امریکا، به روحانیین امریکا، به روحانیت مسیح در تمام دنیا پیام می‌فرستم که هم مظلومین را دریابید و هم حضرت عیسی را و هم مذهب مسیح را. مذهب مسیح و حضرت عیسی در معرض اتهام واقع شده است، این مذهب را دریابید. آقای پاپ در معرض اتهام است. مردم حق ندارند بگویند این «چرا». را. حق ندارند که[بپرسند] چرا آقای پاپ مظلومین را محکوم می‌کنند برای ارضای ظالمها؟ شماها برسانید این مسائل را به مردم. ملت امریکا را می‌گویند بر ضد ما تجهیز کردند در این عیدی که باید عید صلح باشد. و رئیس‌جمهور امریکا در همه جا؛ در بین مظلومین جنگ راه انداخته است. مظلومین را دارد می‌کوبد. مع‌ذلک روحانیین مسیح ساکت‌اند. چرا باید ساکت باشند؟ چرا باید از حال مظلومین مطلع نباشید؟ چرا اگر از حال مظلومین مطلعید باید با ظالمها مقابله نکنید و لااقل هدایت نکنید آنها را؟! هدایت محصور به کلیساست؟ هدایت محصور به یک جمعیت پایین است؟ یا هدایت اول مال بالاهاست؟ انبیا که مبعوث شدند اول با طبقه بالا مقابله کردند. حضرت موسی با فرعون مقابله کرد. طبقه بالا اولی هستند به اینکه مقابله بشوند و هدایت بشوند. شما روحانیون هدایت کنید این طبقه بالا را. هدایت کنید این رؤسای جمهور را. دریابید عیسی مسیح را. دریابید ملت مسیح را. دریابید مسیحیت را. نگذارید مسیحیت در نظر مردم مشوه بشود. نگذارید روحانیت مسیح در نظر مردم روحانیتی باشد طرفدار ظالمها. خداوند ان‌شاءالله بشر را از شرّ این بشرهایی که بر ضد تعلیمات آسمان، بر ضد تعلیمات ملکوت رفتار می‌کنند هدایت کند. و خداوند مظلومان را از چنگ ظالمان نجات دهد.

(منبع: صحیفه امام، ج ۱۱) ص ۴۱۲ – ۴۰۶ – تاریخ سخنرانی دوم دیماه سال ۱۳۵۸)
پاورقی: ۱- شاه

جناب پاپ چه می‌گوید

مورد برخی از مسایل اخلاقی به شکل نادرستی برخورد می کرد، اما امروز به نقش خود به عنوان قاضی پایان داده و آغوش خود را به روی تمام گروه های مختلف از جمله همجنسگرایان، لیبرالیست ها، محافظه کاران، کمونیست ها، افراد طرفدار سقط جنین و افرادی با میل جنسی مختلف، گشوده و از آنان می خواهد به آن بپیوندند؛ زیرا همگی خداوند را دوست داریم و همگی یک خدای واحد را می پرستیم.

وی در ادامه تاکید کرد: وقت آن رسیده است که تعصب را کنار بگذاریم و اعلام کنیم که حقیقت دین قابلیت تغییر و پیشرفت را دارد، به طوری که حتی بی دینان و کافران نیز با دیدن محبت الهی ؛ وجود الله را به رسمیت بشناسند و بعد از آن روح خود را خالص گرداند. پاپ فرانسیس با اشاره به این که انجیل کتاب مقدس مسیحیان است؛ بیان کرد: با وجود آن که انجیل کتاب زیبایی است، اما در آن کلمات و عباراتی وجود دارد که همگان را به تعصب و محاکمه دعوت می کند، در حالی که زمان آن رسیده است تا این بخش ها را مورد بازبینی قرار گیرند.

وی در ادامه با اشاره به تغییر برخی از قوانین از امکان به عهده گرفتن مقام پاپ توسط زن ابراز امیدواری کرد.
منبع: خبرگزاری شفقنا

صادق(ع) آغاز شد و به کمال رسید. این حرکت در واقع به موازات تلاش‌هایی بود که در عصر عباسیان تحت تأثیر مکتب‌ها و اندیشه‌های غیراسلامی آغاز شده بود و به ترجمه و ترویج اندیشه‌های غیراسلامی می‌پرداختند. امام صادق(ع) در بستر فرهنگ و تمدن اسلامی واضع و بنیانگذار علمی شد که بعداً در فرهنگ و تمدن اسلامی درخشیدند. این ویژگی‌ای است که در موردش کمتر کار شده است و باید به نقش آن حضرت در تولید علم در جهان اسلام و تمدن و فرهنگ اسلامی به معنای دقیق کلمه بیشتر و جدی‌تر پرداخت.

یکی از دردهای جامعه شیعی خرافه گرایی است. امام صادق با خرافه گویی و خرافه پرستی که در مقابل حقایق و مسائل علمی قرار دارد، چه برخوردی داشتند؟

در مورد خرافه ستیزی، گزارش‌هایی شده که افرادی نزد آن حضرت می‌آمدند و صحبت‌های خرافی می‌کردند و امام آن صحبت‌ها را رد کرده است. امام به توهّمات افرادی که از علم دور بودند، توجه نداشتند. شخصیت‌های برجسته‌ای مثل هشام بن حکم یا مومن طاق یا بزرگانگی که در کنار امام بودند، در ذهن هیچ یک از آن‌ها خرافات و اساطیر نبوده است.

در شناخت مکتب امام صادق همین بس که دانشمندان برجسته‌ای شاگرد ایشان بودند که در صراط عقل و اندیشه قرار داشتند. برخی از این‌ها نقد فلسفه و فکر یونانی و رومی هم کرده‌اند. این دانشمندان، همه دانش‌آموخته امام صادق آموخته بودند.

شیعه جعفری، تندروی و انقلابی‌گری یا اعتدال و علم‌پروری؟

ارزشمند را خیلی دقیق ترجمه کرده‌اند. این کتاب، ابعاد علمی، تلاش‌های فکری، کادرسازی، مبارزه با انحراف و همه جنبه‌های زندگی امام صادق را در بر می‌گیرد. به ویژه تکیه‌اش بر وحدت و الفت و صمیمیت بین مذاهب، خیلی خوب است.

چرا ما شیعه را با انقلابی‌گری گره زده ایم و این همه تأکید اسلام بر علم و عقل و اعتدال و عقلانیت را فراموش کرده ایم؟ با وجودی که امام صادق که تشیع جعفری به نام اوست، نمونه متمم عیار اعتدال و عقلانیت و علم و تمدن است؟

متأسفانه همین‌طور است. همواره در عصر‌هایی نیاز به انقلابی بودن راستین داشته‌ایم. بابتولید عصر امام علی تا عصر امام حسن و امام حسین. اما ما همواره در این عصر‌ها می‌مانیم و شرایط زمانه خود را درک نمی‌کنیم. فرزند زمان خویش بودن را درست نمی‌فهمیم. امروز به عصر و سبک و سیره امام صادق نیاز داریم. ما همه چیز را یک سو به و تک بعدی تعریف می‌کنیم و این است که شیعه جعفری می‌شود مرادف با انقلابی‌گری. عصر انقلابی‌گری به سر آمده و اکنون در فضایی به سر می‌بریم که بیش از هر چیز به عقلانیت، علم‌پروری و عقلانیت، تدوین و تولید علم در سیره امام صادق نیازمندیم. شیعه جعفری یعنی تندروی و افراط و انقلابی‌گری بس است و باید به دنبال علم‌پروری و عقلانیت باشیم.

در مورد ابعاد شخصیتی امام صادق(ع) چه بعدی بیش از همه نیاز امروز جامعه ماست؟

وقتی شخصیت‌هایی مانند جابر بن حیان و ابن هیثم که دو تن از شخصیت‌های برجسته علمی هستند، در آثار خود به امام جعفر صادق(ع) استناد می‌کنند، این امر نشان می‌دهد که حضرت امام صادق(ع)، به صورت عقلانی، علمی و مبنایی به مسائل نگاه می‌کرد و با

دکتر آئینه‌وند، دکترای خود را از دانشگاه قدیس یوسف لبنان گرفته است و سه دهه است در دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران، الزهراء(س) و قم به تدریس تاریخ اسلام و سیره نبوی و تاریخ‌نگاری در اسلام مشغول است. از جمله آثار مهم او «تاریخ‌نگاری در اسلام»، «علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی»، «قیام‌های شیعه در تاریخ اسلام» و «نقش و رسالت مسلمانان در ثلث آخر قرن بیستم» به زبان‌های فارسی و عربی ترجمه و تالیف شده است.

گفت وگویی خبرآنلاین درباره شیعه، اعتدال و افراطی‌گری را با دکتر آئینه‌وند می‌خوانید:

شما اگر بخواهید یک کتاب معتبر و محققانه در مورد حضرت امام جعفر صادق معرفی کنید، چه کتابی را نام می‌برید؟

کتاب‌های فراوانی درباره شخصیت امام صادق منتشر شده است. البته بسیاری با ادبیات سنتی هستند که برای جامعه امروز ما کاربردی ندارند. مهم این است که ما باید بتوانیم ابعاد زندگی آن حضرت را برای گروه‌ها و اقشار متفاوت جامعه به زبان و فضای اجتماعی هر قشری بیان کنیم.

اخیراً در قم کتاب «الامام الصادق و المذاهب الاربعه» تألیف محقق ژرف اندیش مرحوم علامه اسد حیدر در ۸ مجلد به نام «امام صادق و مذاهب اهل سنت» ترجمه شده است. چاپ نخست این کتاب ۶۰ سال پیش در عراق انجام شده و به تازگی از سوی دانشگاه تاریخ‌ادیان و مذاهب قم منتشر شده است.

به نظر، این کتاب بهترین دایره المعارفی است که منصفانه و محققانه نوشته شده است. بخشی از دانشمندان و محققان و طلاب حوزه علمیه قم این کتاب

حلال و حرام در بهائیت معنا ندارد!



است و اینها هیچ نقطه ممنوعه‌ای در تعاملات خود ندارند و موضوع حلال و حرام و محرّمات و سایر ارزش‌ها در این فرقه وجود ندارد.

اساسی‌ترین تحریفات که این فرقه بر مبانی دینی وارد می‌کنند، کدام است؟

بهائیت اساساً قرآن را رد شده می‌داند و وحی و مسالّه رسالت پیامبر(ص) را به طور کامل قبول ندارند به همین دلیل آنها راه را گم کرده‌اند و نمی‌توانند یک نقشه راه و حرکت مشخصی برای افق‌های ترسیم شده خود داشته باشند؛ لذا بهائیت اولاً احکام اسلامی را تحریف می‌کند و هیچ گونه اعتقادی به مبانی ارزشی اسلام ندارد و ثانیاً تنها از طریق تبلیغ و فریب برخی افراد ساده لوح را با تطمیع و کمک مالی جذب می‌کنند. **اما بهائیت خود را به ظاهر فرقه‌ای منشعب از اسلام می‌داند، چطور این تناقض و پارادوکس قابل تجمیع است؟**

بهائیت اعتنای خاصی به اسلام ندارد و چیزی از اسلام نمی‌داند اما گاهی به دلیل آن که در جهان عرب جایگاه خود را تحکیم کند، خود را شاخه‌ای از اسلام می‌داند و معرفی می‌کند در حالی که اعتقادی به قرآن و پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ندارد و نوعی نفاق و پنهان‌کاری در عقاید خود داشته و بسیاری از کتاب‌ها مطالب علمی را اندک اندک ارائه می‌کنند و برخی دیگر میزان بیشتری از اطلاعات را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. گفت: دایره المعارف بزرگ اسلامی از کتاب‌هایی است که دامنه‌ای از اطلاعات را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد.

این پژوهشگر حوزه دین با بیان این که در سه قرن گذشته اخیر آثار ارزنده‌ای چون جواهرالکلام، وسائل، البرهان، المیزان، اعیان‌الشیعه، معجم الرجال الحديث، قوانین، رسائل، کفایه و الغدير در حوزه علوم و فنون مختلفی

حرکت می‌کند. لذا به نظر می‌رسد این فرقه علیرغم اینکه از امکانات رسانه‌ای و مالی گسترده‌ای برخوردار است، نتوانسته در سطح جوامع شرقی جایگاهی داشته باشد و علیرغم گذشت ده سال از شکل‌گیری این فرقه، شرایط به گونه‌ای است که هیچ گاه جوامع اسلامی نپذیرفتند بهائیت جزو فرقه‌های آنها باشد و از این رو آنها نتوانسته‌اند جایی برای خود در این میان خود باز کنند و امروز به گونه‌ای است که بهائیت منفورترین چهره در جوامع اسلامی و عرب را دارد.

اما به لحاظ مبانی دینی باید گفت بهائیت تفاوت و شکاف بسیاری با ادیان مختلف دارد؛ نخست آن که این فرقه ضالّه کتاب آسمانی و قبله مشخصی ندارد گویی که قبله آن‌ها فلسطین اشغالی است و هر سال به منطقه مشخصی در عکاء می‌روند و ضریح مصنوعی و خیالی ساخته‌اند و آن را زیارت می‌کنند که هدف سیاسی در پس آن است، لذا به دلیل این که انسجام فرهنگی کاملی در میان اتباع این فرقه ضالّه وجود ندارد، اینها بنا به چندین اعتبار دور هم جمع می‌شوند؛ این اعتبارات عبارت است از در گام نخست حمایت از رژیم صهیونیستی، دوم ضربه زدن به تفکرات اسلام ناب و سوم جلوگیری از گسترش مکتب‌انسان ساز شیعه.

بنابراین بهائیت فاقد کتاب و الگوهای ارزشی دینی

بهائیت به عنوان فرقه ساختار استعمار از ابتدایان خود را بر تحریف و محو آموزه‌های اسلام متمرکز است و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند از این رو است که سالانه میلیاردها دلار را صرف تبلیغات سوء رسانه‌ای برای تحکیم پایه‌های خود در میان جوامع مختلف می‌کند امری که علی‌رغم این همه تلاش محقق نشده است. از این رو، در واکاوی تضادهای عقیدتی این فرقه ضالّه با آموزه‌های اسلامی با حسن هانی زاده، پژوهشگر سیاسی و کارشناس مسائل خاورمیانه گفتگویی انجام شده است که از نظراتان می‌گذرد:

به لحاظ مبانی دینی، بهائیت را چگونه فرقه‌ای می‌توان به حساب آورد؟

بهائیت را نمی‌توان فرقه که جزو مذاهب و دارای الگوهای دینی باشد، برشمرد، بلکه فرقه‌ای کاملاً سیاسی و برگرفته از تفکرات صهیونیستی است؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد هیچ گونه نقشه راهی به لحاظ مذهبی برای آن تعریف نشده است.

بهائیت از آن جا که به عنوان فرقه‌ای ضد دینی و سیاسی شکل گرفته، یک نگاه خاصی به صهیونیست و فراماسونری دارد و بخشی از این دو جریان سیاسی و قدرتمند تلقی می‌شود. به این مفهوم که بهائیت برای جلوگیری از گسترش تفکرات شیعی و اسلامی تأسیس شده و درست به موازات وهابیت در منطقه و با تسلط انگلیسی‌ها و فراماسونری و صهیونیست پا گرفته و

تدوین دایره المعارف بزرگ اسلامی در ۳۰۰ سال اخیر کم نظیر است

همچون فقه، اصول، رجال و حدیث نوشته شده‌اند؛ گفت: درست است که این علوم در عرصه‌های مختلف نگاشته شده‌اند، نمی‌توان میان آنها قیاس نمود؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست، ولی اگر بخواهیم در مجموع یک کتاب را سرآمد سایر آثار بدانیم، می‌توانیم این دایره المعارف را معرفی نماییم.

اسفندیاری چنین ویژگی‌هایی درباره این اثر را سنگین تر کننده مسئولیت نویسندگان آن دانست و گفت: به همین دلیل پرهیز از هرگونه اشتباه در نگارش این کتاب ارزنده باید مورد اهتمام نویسندگان و مسئولان مربوطه قرار گیرد.

های زیادی به دست آورده است.

اسفندیاری با بیان اینکه بسیاری از کتاب‌ها مطالب علمی را اندک اندک ارائه می‌کنند و برخی دیگر میزان بیشتری از اطلاعات را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. گفت: دایره المعارف بزرگ اسلامی از کتاب‌هایی است که دامنه‌ای از اطلاعات را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد.

این پژوهشگر حوزه دین با بیان این که در سه قرن گذشته اخیر آثار ارزنده‌ای چون جواهرالکلام، وسائل، البرهان، المیزان، اعیان‌الشیعه، معجم الرجال الحديث، قوانین، رسائل، کفایه و الغدير در حوزه علوم و فنون مختلفی

نمود؛ علامه مجلسی در سال ۱۱۱۰ هجری قمری دار فانی را وداع گفته است که از آن زمان تاکنون بیش از ۳۰۰ سال می‌گذرد که طی این مدت کتابی تا بدین پایه پرمحتوا از مقالات و مطالب علمی در جهان اسلام نگاشته نشده است.

پژوهشگر حوزه دین ادامه داد: در ۳۰۰ سال اخیر هزاران کتاب در جهان اسلام نوشته شده و از میان آنها صدها کتاب به یقین بسیار مهم هستند؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی بر اساس میزان رجوع به یک کتاب، نشان دهنده جایگاه آن در میان پژوهشگران و مجامع علمی است که این دایره المعارف در این عرصه موفقیت

در ۳۰۰ سال گذشته کتاب‌های مختلفی در علوم گوناگون دینی نگاشته شده، اما تدوین دایره المعارف بزرگ اسلامی در این مدت کم نظیر است.

دکترمحمد اسفندیاری در مراسم نقد و بررسی کارنامه بیست جلدی دائرة المعارف بزرگ اسلامی که در محل انجمن‌های علمی حوزه علمیه قم برگزار شد؛ این اثر را مهمترین اثر مکتوب در جهان اسلام پس از بحارالانوار علامه مجلسی برشمرد.

وی با بیان این که اگر بخواهیم پس از بحارالانوار فقط بر یک کتاب انگشت بگذاریم که سرآمد دیگر آثار باشد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی خواهد بود؛ تصریح

نشر مقاله‌ای در شرح حال مرحوم استاد حسین لرزاده، معمار معروف معاصر و بانی بناهای تاریخی - جاودانه متعدد، در ویژه‌نامه هفتگی «فرهنگی» جریده شریفه اطلاعات - شماره ۱۵۵ مورخ ۹۲/۹/۲۷ - قصه‌ای را که در این رابطه داشتیم، به یاد آورد که بی‌مناسبت نیست برای آگاهی علاقمندان به نقل آن بپردازم.

نخست باید اشاره کنم که از مرحوم استاد حسین لرزاده، علیرغم خدمات بسیار و بی‌شمار و ماندگار، در زمینه‌های معماری سنتی و طراحی و اجرای دهها بنای تاریخی، به ویژه مساجد معروف، تجلیلی که شایسته او باشد، تاکنون به عمل نیامده و مراسم بزرگداشتی که با شأن و مقام و منزلت او هم طراز باشد، برپا نشده است در حالیکه می‌دانیم موارد بسیاری بزرگداشت و نیکو داشت و نشر یادنامه و ارج‌نامه درباره افراد و شخصیت‌های متعدد معاصر برگزار شده می‌شود که به نوبه خود قابل تقدیر است، ولی به فراموشی سپردن شخصیت‌ها و عناصری مثل لرزاده روا نیست و ما امیدواریم که میراث بانان و فرهنگ دوستان نهادهای مربوطه، در این زمینه نیز اقدام لازم و مناسبی را بعمل آورند. البته همه می‌دانیم که استاد لرزاده به دعوت رسمی مرحوم آیت‌الله بروجردی (مرجع وقت) در طراحی و ساخت مسجد اعظم قم، به‌قم آمد و پس از ارزیابی امور، در اجرای این برنامه، نقش اساسی و عمده‌ای را به‌عهده گرفت.

استاد لرزاده، در مراحل مختلف این برنامه، و اداره امور آن از آغاز تا پایان، نظارت و اشراف کاملی داشت و در کنار معماران همکار و کارگران فداکار، همانند یک کارگر، متواضعانه به کار مشغول بود و گزارش کار را به صورت مرتب به مرحوم آیت‌الله بروجردی ارائه می‌داد.

در همان دوران، شادروان جلال آل احمد در سفری کوتاه که به «قم» داشت از این پروژه بزرگ و بنای ماندگار، بازدیدی بعمل آورد و پس از مراجعت به تهران، محصول برداشت‌های خود را در صفحاتی کوتاه مکتوب نمود و آن را تحت عنوان «مسجد جدید قم، آبروی معماری قرن» با امضای (آا) در مجله «علم و زندگی» - نشریه سوسیالیست‌های ایران به رهبری مرحوم خلیل ملکی که جلال نیز به نوعی با آن‌ها همکاری می‌کرد، منتشر ساخت.

... نشر آن مقال در آن مجله، به طور طبیعی با واکنش‌های مثبت و منفی همراه بود و یکی از غرب‌زدگان آن زمان، در مقاله «ردیه»‌ای، به اصطلاح انتقادهای به ظاهر فنی - مهندسی خاصی را مطرح نمود که متأسفانه همراه با عدل و انصاف و صداقت نبود و ادبیات به کار رفته در آن نوشتار، غرض ورزی ویژه نویسنده را بخوبی نشان می‌داد. اینجانب در آن ایام با تکیه بر نیروی جوانی! و نشاط کنجکاوانه دائمی، همه امور سیاسی - مطبوعاتی را با دقت و علاقه پی‌گیری و باصطلاح امروزی «رصد» می‌کردم، مقاله جلال و اصل مجله‌ای که «ردیه» مهندس‌ش را داشت، همراه نامه‌ای به استاد حسین لرزاده فرستادم و خواستار آن شدم که در مرکز - تهران - از هویت «ناقد» محترم استفسار نموده و پاسخی بر آن «ردیه» و اشکال تراشی‌های وی بنویسد، ولی پس از مدتی کوتاه نامه مشروحی خطاب به اینجانب - که مرا نمی‌شناخت - مرقوم و ارسال داشت که نشر آن، و مقاله جلال، به عنوان شرح ماجرای یک «حادثه تاریخی» بی‌مناسبت نخواهد بود به ویژه که آذرماه، سالگرد تولد جلال و انعقاد همه ساله مجالس متعدد بزرگداشت او است.

نخست اصل مقاله جلال را می‌خوانیم:

مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر
مقاله زیر شرحی است از اثری که بنای این مسجد در یک بیننده کرده. ممکن است از نظر معماری عده‌ای قضاوت دیگری داشته باشند. در هر حال این نشریه انتقادات مربوط به هر موضوعی را که در صفحات نشریه به بحث گذارد می‌شود با نهایت خوشوقتی منعکس خواهد ساخت. «علم و زندگی»

در حالی که معماران و مهندسان و آرشیست‌های

جلال آل احمد و مسجد اعظم قم

سید هادی خسروشاهی



«علم و زندگی» فرستادم که دوستان شاغل در آن، از درج آن دو نامه خودداری کردند... متأسفانه اصل نامه خود را ندارم و فقط نامه مرحوم لرزاده را در اختیار دارم که نشر می‌گردد.

البته من در نامه خود بر استاد لرزاده نوشته بودم که نامه تندى هم به مسئولان «علم و زندگی» فرستاده‌ام که آن مرحوم در پاسخ خود به آن اشاره‌ای دارد. خود مرحوم جلال آل احمد هم با نوعی بی‌اعتنائی آشکار به نقد ناقد، در سطوری چند، توضیحی کوتاه ارائه می‌کند که برای اهل خرد، گویا است:

«آقای مدیر محترم مجله علم و زندگی

در مقاله‌ای که این جانب درباره مسجد جدید البانی قم فرستاده بودم هرگز ادعای فضائى و علمائى نکرده بودم ولی گویا حتى نویسنده مقاله ردیه بر آن مطالب هم درک کرده بودند که آن مطالب لعنى بود بر این مهندسان فاضل و درس خوانده و فرنگ دیده‌ای که در و دیوار شهر طهران را از ریخت انداخته‌اند.

همه نکات مقاله ایشان فنى، درست! اما شما آقای مدیر محترم مجله و شما آقای نویسنده آن ردیه، فکر نمى‌کنید که آن مطالب سرکار بیشتر برای اعاده حیثیت مقاطعه کاران استاد دانشگاه و آتلیه دار بود تا حمله بیک معمار باشی بی‌ادعا؟

و فکر نمى‌کنید که نویسنده آن مقاله رو دست آقایان مهندسان سازنده سنا و شورا و سینما مولن روژ و ایمپایر را خورده باشند؟ (علم و زندگی شماره هفتم فروردین ۳۳۹ ص ۸۲)

اشاره شد که به دنبال نشر مقاله جلال در تجلیل از معماری بنای مسجد اعظم قم مقاله‌ای در انتقاد و یا به قول جلال «ردیه»‌ای، درباره نوشته وی به قلم شخصی با امضای مستعار و یا ناقص مهندس: ش - در شماره پنجم نشریه «علم و زندگی» مورخ دیماه ۱۳۳۸ منتشر گردید که نویسنده سعی کرده بود به قول خود اشکالات فنی - مهندسی ساختمان مسجد جدید را ارائه کند و برشمرد!

البته نقد فنی - علمی ساختار یک بنای عظیم تاریخی، هیچ اشکالی نداشت ولی متأسفانه لحن مقاله و ادبیات به کار رفته در آن، که با الفاظ و عبارات زشت و رکیکی همراه بود موجب ناراحتی شدید اینجانب گردید و من با جلال تماس گرفتم و او گفت شما می‌توانید نظرات خودتان را در تأییدیه یا نقد مقالات منتشر شده بنویسید و به دفتر مجله بفرستید و مجله آن را چاپ می‌کند...

آقای مهندس ش!، در نوشته خود مسجداعظم قم را «یک عروسک پلاستیکی» می‌نامد و همه هنر معماری به کار رفته در آن را انکار می‌کند و می‌نویسد: «اگر هم زیبایی داشته باشد یک دروغ و یا تقلید بچه‌گانه است» بدون اینکه توضیح دهد زیبایی چگونه می‌تواند دروغ باشد؟ و یا اگر تقلید بچه‌گانه است، این تقلید از چه کسی و کدام بنائی به عمل آمده است؟ در ادبیات مهندس ش! «آفتاب قم» «جلاد» لقب می‌گیرد «تور» آنهم «وقیح» به شما می‌رود! که نشان دهنده بغض درونی نویسنده نسبت به «قم» و مسائل مربوط به آنست...

اگر بدانیم که حتی تیراهن‌های به کار رفته در ساختمان مسجد هم «لعتنی» هستند، دیگر نیازی به نقل بقیه جملات و کلمات زشت و زننده او نخواهد بود: «... تیراهن لعتنی، بفهمی نفهمی ریخت کلیسا به مسجد می‌دهد!» جل الناقد! همین

.... اشاره شد که بنده علاوه بر نامه تند خود که روش معمول آن دوران! بود و به دفتر مجله فرستادم، نامه‌ای نیز، همراه اصل مجله «علم و زندگی» را بر مرحوم استاد لرزاده فرستاده بودم که در آن از نشر مقاله و محتوای آن شکوه کرده و ناراحتی و تأثر و تأسف عمیق خود ابراز و به ایشان نوشته بودم که پس از مدت کوتاهی نامه مبسوطی، با خط زیبای مرحوم لرزاده، در پاسخ به آن به دستم رسید که در واقع یک نامه تاریخی است به ویژه که در ۵۵ سال قبل نوشته شده و علیرغم حوادث زمان!، خوشبختانه در آرشیو حقیر محفوظ مانده است.

لاجوردی اصیلی؟ - آیا ممکن است؟ - نه تنها ممکن است بلکه این واقع امر است. مسجدیست در یازده هزار متر مربع و با پنجاه متر ارتفاع که از چهار فرسخی فریاد می‌زند و شما را به تماشای خود می‌خواند. تمام آجر مسجد را در خود قم پخته‌اند که بهترین آجرپزی‌ها را دارد و کاشیها را در اصفهان پخته‌اند و به‌قم آورده‌اند و معرق کرده‌اند و کار گذاشته‌اند.

صرف نظر از سقف مسطح دو شبستان جناحین گنبد که مسلماً اجبار تیرهای آهن بوده است و مثل اغلب مسجدهای نوی که در سالیهای اخیر در مملکت ساخته‌اند بفهمی نفهمی ریخت کلیسایی به مسجد می‌دهد - و این البته بسیار امر دقیقی است که امیدواریم بعدها مورد توجه قرار بگیرد - تنها یک نکته را در تزئین این مسجد با همه زیباییهایش باید مورد توجه قرارداد و آن اینکه زینت کردن خانه خدا با چراغ فلورست بسیار زشت می‌نماید. بگذارید همان شهردار تهران در و دیوار میدانها را چنین بصورت دکانهای سلمانی در بیاورد. بهتر نیست خانه خدا را با قندلیهای ساخت اصفهان و بانوری ملایم‌تر از این که فعلاً هست روشن کرد؟ مگر نشیده‌اید که چراغی که بخانه رواست به مسجد حرام است؟ آن چراغی که به مسجد حرام است همین فلورست ها هستند.

بخصوص در جائیکه یک سفارش کلان برای آنهمه قندیل مورد احتیاج در شبستان‌ها و ایوانهای این مسجد بسیار زیبا بکسب دو سه هزار نفر دیگر از هنرمندان بی‌نام اصفهان و شیراز رونقی خواهد داد که مسلماً مورد توجه مراجع تقلید بوده‌اند. چه بخوایم چه نخواستیم و بانیان این مسجد چه نظر دنیائی داشته باشند چه نظر باخرت - مسلم است که در نتیجه گوشه‌ای از اقتصاد این مملکت را سالها بکار انداخته‌اند و چه بهتر که اکنون نیز بجای اینهمه چراغهای با نورهای زننده، تمام این مسجد به‌این عظمت را با هزاران قندیل کوچک و بزرگ ایرانی مسین یابرنجین زینت کنند. و البته باید در نظر داشت که روشن کردن چنان مقصوره‌ای یا چنان گنبد و گلدسته‌هایی جز با نور افکنهای قوی امکان‌پذیر نیست که لاید پس از اتمام مسجد تعبیه خواهند کرد تا کاشیکاری گنبد و گلدسته‌ها شب و روز بدرخشد.

و اکنون بدانیم که به جمع هزاران مسجدی که در سراسر ایران - در طول این چهارده قرن هجری - ساخته شده است یکی دیگر افزوده شده با همان ابهت و جلال و با همان سبک و روش معماری - خالی از تظاهر - دور از ریا و سروصدا و جنجال و مطبوعات بازی و مصاحبه - و با این تفاوت که اگر تاکنون هرگز بیاد نداریم که بر پیشانی مسجد نام یکی از بزرگان اولوالامر! را نخوانده باشیم - بر پیشانی مقصوره این مسجد جدید نوشته است که «بنابرآراء مرجع عالم تشیع بنا شده است» و این مطلب درعین حال که رساننده استغنائی عالم تشیع از توسل به سیاست و حکومت است می‌رساند که اولیاء امور در زمانه ما از این بابت نه دچار تنگ نظری هستند و نه دریند عجب و غرور.

امیدواریم که پس از اختتام ساختمان این بنای مبارک و زیبا بتوانیم به تفصیل بیشتر و با تصاویر رنگی بازهم از آن سخنی بمیان بیاوریم. (نشریه سوم ماهانه «علم و زندگی» فروردین ۱۳۳۸، صفحه ۶۰-۶۲)

... البته من علاوه برنامه خود، نسخه‌ای استنساخ شده از نامه استاد لرزاده را که به دستم رسید، به دفتر مجله

محترم مملکت اغلب در فکر شرکت در مناقصه‌های دولتی و تامین معاشند یا در فکر تقلید از معماری غربی با جزهای هرمی و نشان دادن مقاومت مصالحی که یکجا از فرنگ وارد می‌شود و هر کودک کودنی در سوار کردن آنها سرهم - بهیچ مشکلی برنخواهد خورد - و در حالیکه مجموعه ساختمانهای جدید مهندسان از فرنگ برگشته ما چیزی جز زشتی یا تقلید صرف را بارمغان نمی‌آورد - در چنین روزگاری یک معمار تجربه دیده ایرانی یعنی «مهندس لرزاده» - زیر نظر و بنا باراده مرجع تقلید عالم تشیع «حضرت آیت الله بروجردی» و بکمک مردم علاقمند بمذهب و سنن مذهبی - مشغول پایان دادن به ساختمان بزرگترین مسجدی است که در قرن چهاردهم هجری در این مملکت ساخته شده است. و خالی از هر تعاونی یک تنه تمام خرابکاریهای دیگران را جبران خواهد کرد. سه چهار سال است هزاران نفر کارگر و بنا و کاشی‌ساز و آهنکار مشغول ساختن چنین بنای یادگاری از استقلال جامعه تشیع‌اند و هر زائری که به قم می‌رود اگر هم چیزی از فن معماری درک نکند، دست کم می‌تواند پس از لذت بردن از زیباییهای دو صحن کهنه و نو - و پس از تماشای آنهمه شکوه آینه کاریهای مقصوره آستانه - ساعتی را نیز به تماشای این هنرنمایی جدید متخصصان فن معماری ایران بگذراند.

مساحت کل این مسجد که بر جای مخروبه‌های بیکاره افتاده‌ای بنا شده یازده هزار مترمربع است - صحن زیر گنبد آن ۴۰۰ مترمربع - هر یک از دو شبستان جناحین ۹۰۰ مترمربع - با آبریز بسیار مرتب و تمیز و کتابخانه و شوافز سانترال. ارتفاع گلدسته‌ها که هر یک دو پلکان مارپیچ دارند از کف بنا ۵۰ متر و ارتفاع گنبد ۴۰ متر - و قطر و ارتفاع خود گنبد ۲۰×۲۰ متر - کلفتی بدنه آن دو متر که در آن راهروهای تعبیه شده است و از همه مهمتر اینکه بزرگترین گنبدی است که در قرن معاصر با کلافی یکسره آهنی ساخته شده که در عکس می‌بینید این عکس‌ها البته مربوط بیک سال پیش است چرا که اکنون حتی گلدسته‌های مسجد نیز بزیژ مژذنه رسیده‌اند و کاشیکاری ایوانها و مقصوره بزرگ تمام شده است و مشغول کاشیکاری درون گنبدند. در تمام بنای باین بزرگی اصلاً گچ بکار نرفته است. همه آهن و سیمان و آجر و کاشی و مرمر. باین طریق باید بخاطر سپرد که تحول مصالح ساختمانی نیز نمی‌تواند از تجدید حیات معماری اصیل ایرانی جلوگیری کند و اکنون آقایان مهندسان ما نمونه‌ای پیش روی خود دارند. نمونه‌ای بسیار زیبا با بهترین کاشیکاریهایی که شاید هیچکدام ما باور نمی‌کردیم در این روزگار هرج و مرج، امکان‌پذیر باشد. در مقابل چنین بنائی و چنین امکاناتیست که معماران فرنگ دیده ما مسجد دانشگاه را می‌سازند با چنان بدقوارگی و بدریختی و مهمتر از همه اینکه برای ساختن این مسجد نه مشاور عالی از فرنگ وارد کرده‌اند و نه از سازمان برنامه کمک مالی گرفته‌اند و نه بر بودجه هیچیک از وزارتخانه‌ها تحمیلی کرده‌اند.

باید دید چرا چنین است؟ چرا با تکیه به معتقدات مذهبی هنوز می‌توان چنین شاهکارهایی را در فن معماری بوجود آورد - در حالیکه بزرگترین محصول فرنگ رفته‌های ما در این فن - اگر منتهای کوشش را هم برای تلفیق معماری شرق و غرب بکار برده باشند - تازه می‌شود چیزی شبیه عمارات بیشمار بانک ملی؟ با نمائی از کاشیکاری مدرن شده و دور از طرحها و اشکال هندسی اصیل ایرانی. واقعاً چرا؟ آیا نباید علت را در سستی اساسی دانست که ما تمدن مثلاً جدیدمان را بر آن قرار داده‌ایم؟ مسلم است که در کار تجدید ظاهر تمدن ما نه ایمانی با خود داریم و نه علاقه‌ای قلبی و حال آنکه مهندس لرزاده‌ها هنوز از سر چشمه ایمان آب می‌خورند و یا تکیه بر قدرتهای مخفی هنرمندان بی‌نام و نشان قم و اصفهان، می‌کنند.

کاشیکاری مسجد قم از جمله شاهکارهاییست که تا آنرا نبینید گمان نمی‌کنید که خواب و خیال نیست. در عصر فیبر و لاستیک و مواد الاستیک و چنین رنگهای

در این نامه، استاد لرزاده به مواردی از اشکالات مهندس‌ش اشاره می‌کند و در واقع در جملات کوتاهی پاسخ آن اشکالات را میدهد و از بنده نیز ، با الفاظی خاص، تقدیر و تشکر می‌کند.

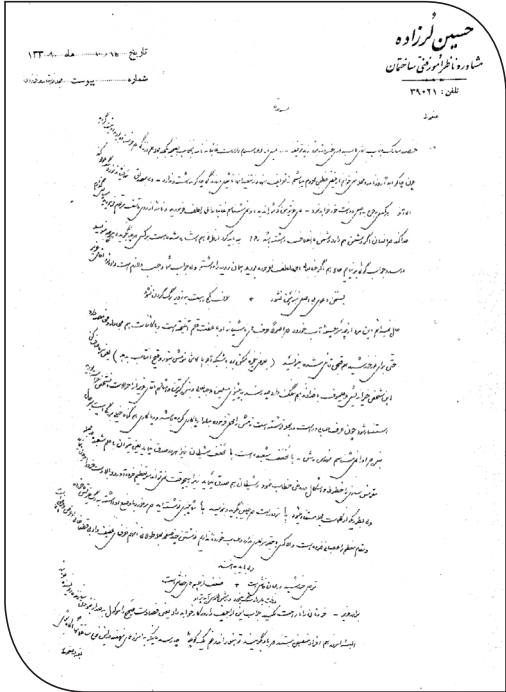
مطالعه‌نامه که به تاریخ ۱۳۳۸/۵/۱۵ در مدرسه سپهسالار، بخش کاشی‌تراشی نوشته شده و در واقع بیش از نیم قرن از تاریخ کتابت آن می‌گذرد، می‌تواند روشنگر بعضی از حقایق تاریخی باشد، و البته در ضمن، تواضع و فروتنی مرحوم لرزاده را به خوبی نشان می‌دهد که خود را «لرزاده‌ای نادان!» – در برابر خیل مهندسان دانا – می‌نامد....

متن نامه را به علت اهمیت آن، به طور کامل در اینجا نقل می‌کنیم:

بسمه تعالی
حضور مبارک جناب آقای آقا‌سید‌های خسروشاهی زید توفیقہ ... پس از عرض سلام و ارادت غائبانه، نامه آن جناب بضمیمه یک جلد مجله علم و زندگی که فرستاده بودید رؤیت گردید. چون چاکر ابداً روزنامه و مجله نمی‌خوانم از فیض عظیمی محروم می‌باشم نه تعریف آنها و نه تنقید آنها تأثیری در زندگی چاکر نداشته و ندارد – ولی به مصداق مہ فشانند نور و سگ عوعو کند (الی آخر) هر کس رجوع به اصل و ذات خود خواهد نمود – آقای عزیز من که شما را ندیده و نمی‌شناسم غائبانه اظهار لطف فرمودید و نامه از روی تأسف مرقوم فرمودید، سپاس‌گذارم خدا کند که انسان اگر دشمن هم دارد دشمن با انصاف داشته باشد... نه؟! چه باید کرد از طرفی هم اشاره شده است هرکس هرچه بگوید و هرچه بنویسد در صدد جواب‌گوئی برنیایم، حالا هم اگر جنابعالی اظهار لطف نفرموده بودید همان رویه را داشتم ولی جواب شما واجب و لازم است داده شود.

آقای عزیز!
به سخن دعوی بی اصل مبرهن نشود
حرف کج راست به زور رگ گردن نشود
حال نمی‌دانم این فرد از چه سرچشمه آب خورده که اصولاً حرف‌های ناشیانه او با عفت قلم! آمیخته است و با کائنات هم مجادله و مخاصمه دارد حتی برای نور خورشید هم قبیحی قائل شده می‌نویسد(به عوض پنجره ممکن بود با شبکه آجر یا کاشی نرمشی به نور وقیح آفتاب بدهد) یعنی سرما صاف کن این شخص خیراندیش و فیلسوف با خداوند هم جنگ دارد چه رسد به پیشوای مسلمین و جنابعالی و بنده کمترین و امثالهم. آقای عزیز از احوالات آن شخص خواسته بودید استفسار شود، چون حرف حسابی و راست در مجله نوشته است نامش را مخفی فرموده مبادا ریاکاری کرده باشد و ریاکاری هم گناه خیلی بزرگی است! به هر حال

بنده او را نمی‌شناسم مهندس – ش – یا مخفف شعبده است یا مخفف شیطان، زیرا هر دو صدق می‌نماید یعنی می‌توان با علم شعبده در مجله، مقرنس سازی را خطوط و اشکال دروغی خطاب نمود و شیطان هم صدق



می‌نماید زیرا هیچ‌وقت نمی‌تواند سر تعظیم فرود آورد و بالادست خود را دیدن نماید، ولی به طوری‌که از کلمات مجله مستفاد می‌شود یا مزدور است که چنین بگوید و بنویسد، یا شما چیزی نوشته‌اید که برخورد با وضع او داشته به رگ غیرتش خورده و مقام معظم را عصبانی نموده است والا کسی با حقیر سروکاری ندارد و حساب خورده‌ای نداریم، نوشتن چند صفحه مجله طولانی آن هم حرف‌های عفیف و ادبی قطعاً خالی از غرض و مرض است ولی باید بدانند:

قرص خورشید در جهان فاش است
ضعف از چشم‌های خفاش است
درخت باردار سنگ می‌خورد و دشمن طاووس آید پُر او.
برادر عزیز – خودتان را ناراحت نکنید. جواب این اراجیف را روزگار خواهد داد. یعنی قضاوت صحیح را موکول به بعد از نبودن سازنده و نویسنده بفرمایید البته امروز هم افراد منصفی هستند که به او بگویند تو هنوز اندر خم یک کوچه‌ای چه رسد به اینکه به اسرارهای نهفته در این نوع ساختمان‌ها آگاه شوی.

آقای عزیز من، سادات از حق کشی زود ناراحت می‌شوند، خوبست با کلمات زیر قدری تفریح نمایید

و این چند سطر مربوط به همان موضوع است. خوب بود برای اینکه صحن مسجد به قول او مستطیل بشود، قبر محمدشاه و صحن کهنه و مدرسه فیضیه را خراب می‌کردند بلکه نظر ایشان تأمین شده باشد. دوم آنکه اراضی مثلث شکل مسجد را هم با فشار فکر بکر او، می‌کویدند تا مربع مستطیل بشود و به خداوند متعال هم امر می‌فرمودند خانه کعبه را به طرف دیگر ببرد تا انحراف قبله هم نداشته باشیم، تا فکر بکر و ایراد ۱۰۰ × ۱۰۰ بجای مهندس شین مرتفع شود. البته چاکر مأمور به جواب گویی نیستم و امر به سکوت دارم ولی بدانید که بقیّه فرمایشات شین تماماً صحیح و آشکار است تنها افتخار چاکر بر این است که لر و نادان هستم و مهندس نیستم و به نام لر در این آب و خاک به عالی و دانی خدمتگذارم چنانچه از لر و نادانی خطایی دیده شود قابل عفو است.

آقای عزیز یاهو سرائی که مایع لازم ندارد باکی نیست هرچه بگویند و بنویسند – ولی – کی شود دریا ز یوز سگ نجس – عیار ناسنجیده شده نوشته است چرا بین گنبد و شبستان درب شیشه نصب شود؟ خوبست برای خاطر این فیلسوف عالی رتبه درب‌ها برداشته شود و با سوز جگر او و امثال او ۳۰۰۰ متر مکعب را گرم می‌کردیم و همچنین به خاطر سلیقه او برای گنبد قالب و کلاف نمی‌خواستیم و پنجره‌های جلو خیابان را تیغه می‌کردیم کاشی کاری هم ریزه کاری بچه‌گانه!

است و عوض سیمان هم گل کار می‌کردیم و سر مناره و قرنیز جای مقرنس مناره‌ها و ستون‌های بالای مناره‌ها را با مصالح جدید زحمت نمی‌کشیدیم درست نماییم مانند ستون‌های سر گلدسته‌های قدیمی با چوب و حلبی انجام می دادیم و راهرو خارج پشت رودخانه برای حوضخانه نبود و مردم از صحن مسجد برای قضای حاجت عبور می‌کردند! چه مانعی داشت کف ایوان‌ها را هم با آجر فرش می‌کردیم و غیره. سپس خودش اقرار نموده است که در ۲۰ سال پیش گنبد کاخ مرمر را سازنده این مسجد ساخته است در صورتی‌که ۲۵ سال پیش ساختمان تو کجا بودی آن روزها که جگر شیر آب می‌شد و تمام مهندسين حتي اروپائی‌ها را دعوت نمودند از عهده برنیامده باز هم لر نادان به درد خورد. از گنبد کاخ مرمر گرفته تا گنبد حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اماکن مشرفه و مسجد قم آنچه بود مقتضراً انجام نمود بنا به گفته او تمام ناقص – ولی آنچه آقای مهندس شین هنوز نساخته و حرفش را زده است ۱۰۰×۱۰۰ صحیح است.

چه شود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد

تاریخچه کتابخانه مسجد اعظم قم

حاج سید مصطفی صفایی خوانساری، آقا جمال‌الدین فدایی اراکی، آقای سیدفضل الله نافتی، حاج سیدهاشم رسولی محلاتی و آیت‌الله زاده خوانساری می‌باشند. اما دو نفر بیش‌ترین کتاب را (پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی) به کتابخانه اهدا کرده‌اند: یکی آیت‌الله حاج آقا سیدحسن فرید محسنی اراکی که طبق وصیت‌شان، کتاب‌های چاپی ایشان (حدود دو هزار جلد) به کتابخانه اهدا شد. کتاب‌های خطی معظم له هم به آستان قدس رضوی اهدا شده است.

دیگری مرحوم حاج محمد رضانی مدیر انتشارات «کلاله خاور» تهران بوده که حدود چهار هزار جلد کتاب چاپی و سنگی بویژه دیوان اشعار فارسی (ایشان اکثر دیوان‌های کوچک و بزرگ را گرد آورده بود که اینک در کتابخانه موجود است) هم‌چنین دوهزار جلد از کتب لاتین به زبان‌های فرانسه، آلمانی، روسی، انگلیسی و ترکی و ارزنده‌تر از همه بیش از دو هزار جلد کتاب خطی ایشان به کتابخانه اهدا شده است.

آقای رضانی در اواخر عمر خود این کتاب‌ها را به قم انتقال داده بود و در خانه‌ای اجاره‌ای به طور موقت نگاه‌داری می‌کرد تا کتابخانه‌ای به عنوان صاحب‌الامر – عجل الله تعالی فرجه الشریف – تاسیس نموده و آن‌ها را در اختیار عموم قرار دهد. این امر چنان قطعی بود که همه کتاب‌های چاپی و خطی را به مهر مربوط، مهپور

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی

◀ شماره ۱۹
◀ شماره مسلسل ۱۴۶۶
◀ نیمه دوم دی ۱۳۹۲
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

طول کلام باعث ائتلاف وقت است خوبست بگذاریم و بگذریم جنابعالی هم خودتان را زحمت ندهید مال نیستند بگذار تا بمانند در عین خودپرستی و بی‌دینی ما هم راه خودمان را می‌رویم تا تاریخ آینده قضاوت نماید. فقط دعا بفرمایید خداوند متعال به حضرت آیت‌الله طول عمر عنایت فرماید تا اینکه در ظل توجهات مخصوصه آن بزرگوار این بنای مورد بحث خاتمه پیدا نماید. تا کور شود هر آنکه نتواند دید.

در خاتمه پوشیده نماند چنانچه جنابعالی از یکی از معابد ضاله تعریف می‌کردید قطعاً به طرف داری از شما کمک داده می‌شد و به عوض توهین به مقامات عالیه تعریف رؤسای آن فرقه می‌شدید البته فیل و پشه هر دو خرطوم دارند ولی در خرید و فروش استخوان‌های آنها مردم باید تشخیص بدهند با این همه گفته‌های پوچ و اظهار فضلی که آقای مهندس شین در مجله قلم‌فرسانی فرموده است، چه شده است که هر کس می‌خواهد یک مسجد کوچکی هم بسازد به لر نادان مراجعه می‌نماید. آقای عزیز مردم امروز چشم دارند و همه تاریخ خوانده‌اند و کارهای همه نوع دیده‌اند. به قول یکی از دوستان و همکاران من روزی با یکی از امثال مهندس شین در موضوع کار دیگری بحث داشتند، به او می‌گفت آقای مهندس تو تازه از دبستان خارج شده‌ای به اندازه آنکه حالا چشم تو خواهد دید من در این شهر عمارت ساخته‌ام حالا باید بروی در دبستان و دانشگاه اجتماع تجربه تحصیل نمایی تا بتوانی در اجتماع زندگی نمایی مگر به حرف هم می‌توان احتیاجات اجتماعی را رفع نمود. خلاصه به قول صائب:

من از ناچیزی خار سر دیوار دانستم
که ناکس کس نمی‌گردد از این بالا نشستن‌ها
آقای من هرچه بگویم و بنویسم برای شخص شما می‌باشد والا دردهای بی‌درمان من اگر بگویم هنوز هشتاد من کاغذ شدی. امید است موفق باشید و انشاءالله از دعای خیر فراموش نفرمایید و جنابعالی را به خداوند می‌سپارم و امید است که همه انام هدایت شوند.
مورخه ۱۳۸۱/۱۵
مدرسه عالی سپهسالار، در کاشی تراشی – لرزاده

... و این بود قصه «مسجد اعظم قم» از زبان عاملان و شاهدان و ناظران و ناقدان ... و صفحه‌ای از «حوادث روزگار» و «خاطرات مستند» مربوط به آن دوران...

کرده بود، اما اجل مهلت نداد تا این نیت پاک جامه عمل بپوشد. پس از رحلت ایشان با تلاش مسئولان وقت کتابخانه و مرحوم حاج آقا مهدی آیت‌الله‌زاده گلیپایانی، بازماندگان محترم ایشان، این ذخیره را در اختیار کتابخانه مسجد اعظم قرار دادند. با توجه به این که این کتابخانه، چهل سال پیش بنا شده و شرایط آن روز متفاوت و تعداد مراجعان محدود بوده، لذا هم‌اکنون با مشکلات عمده‌ای از جهت کم بودن مکان برای کتاب‌ها و هم برای مراجعان مواجه هستیم. تمام ظرفیت‌برای قفسه‌بندی تکمیل شده است. سالن‌های مطالعه بیش از گنجایش عضوگیری کرده است. هم‌چنین چون کتابخانه در مرکز شهر واقع شده (البته از یک جهت‌خوب است) اما آلودگی هوا، صدای وسایط نقلیه و تردد عابرین، اثر نامطلوبی برای کتابخانه دارد، هر چند اخیراً اقداماتی برای تهیه مخزن کتب خطی انجام گرفته، اما هنوز از جهت‌سیستم‌های حفاظتی و آفت زدایی به وضع مطلوب نرسیده‌ایم. یکی از اقدامات لازم، تهیه میکروفیلم از کتب خطی نفیس است. در حال حاضر این کتابخانه، ۴۱۷۴ جلد کتاب خطی دارد. در طول سال جز تعطیلات رسمی، کتابخانه باز و آماده خدمات رسانی به محققان است. هر روز صبح‌ها از ساعت ۷/۳۰ تا ۱۲/۳۰، و عصرها از ساعت ۱۵ تا ۲۱ باز می‌باشد. منبع: سایت حضرت آیت الله العظمی بروجردی

مصر در مسیر جنگ داخلی

عبدالباری عطوان در مطلبی در روزنامه الرای الیوم با اشاره به تحركات مقامات مصری علیه جنبش حماس آورده است: جنگ مقامات مصری علیه جنبش اخوان المسلمین لحظه به لحظه تشدید می شود و نه تنها به تروریسم معرفی کردن آن بسنده نکردند بلکه روزنامه آزادی و عدالت وابسته به آن را نیز بستند و اعضای آن را تحت پیگرد قرار دادند و اموال آن را بلوکه کردند و منابع مالی آن را تحت پیگرد قرار دادند. مقامات مصری همه سازمان ها و جمعیت های برگرفته از اخوان المسلمین را تروریستی به حساب آورده اند و رهبران آنها از جمله محمد مرسی همانند یک تروریسم مجازات خواهند شد. عطوان ادامه داد: کسانی که حملات شدید رسانه های مصری ضد جنبش اخوان المسلمین را دنبال می کنند بر این باورند که مصر به سوی جنگ داخلی خونین کشیده می شود.

عطوان تاکید کرد: اگر هر فرد وابسته به جنبش اخوان المسلمین تروریست معرفی شود و مجازات زندان سی ساله در انتظار وی باشد پس مقامات مصری باید شروع به ساخت بازداشتگاه ها و زندانهای سرباز در صحرا برای جا دادن میلیون ها عضو این جنبش کنند مشابه آنچه در پس از کودتا علیه صندوق های رای در سال ۱۹۹۱ در الجزایر انجام شد و این کودتا زمینه ده سال جنگ داخلی را فراهم آورد که بیش از دویست هزار انسان در آن کشته شدند.

وی می افزاید: مصر به کشوری پلیسی که احکام عرفی در آن بدون اعلانیه رسمی اجرا می شود تبدیل شده است و این به مفهوم ساده آن یعنی بر باد رفتن همه دستاوردهای انقلاب مردم مصر بر مصر آتش و گلوله حاکم است و گزینه کنونی بعید است که به ثبات منتهی شود و برعکس بر دامنه بحران می افزاید. اگر جنبش اخوان المسلمین عامل خشونت ها و انفجارها است-موضوعی که تاکنون به اثبات نرسیده است- پس گروه ششم آوریل که سه تن از رهبران آن بازداشت شده اند فقط به خاطر اینکه به نبود دموکراسی و آزادی بیان اعتراض کرده اند چه وضعیتی دارند؟

انقلابی که در مصر رخ داد هدفش ریشه کن کردن بی عدالتی، ایجاد مساوات و برابری، حکومت قانون، صندوق های رای است و پایان دولتی پلیسی بود اما متأسفانه عکس آن در جریان است.

وی در ادامه می نویسد: به طور حتم پس از به زندان انداختن رهبران جنبش ششم آوریل و جنگ ضد جنبش اخوان المسلمین نوبت تروریسم توصیف کردن حماس به اتهام وابستگی فکری به گروه اخوان المسلمین می رسد. عطوان تاکید کرد: یکی مسئول امنیتی مصری اهداف تروریست معرفی کردن اخوان المسلمین را فشار به حماس و قرار دادن آن بر سر دو راهی جدایی از اخوان المسلمین یا تروریست خوانده شدن از سوی مصر نگه داشته است. بعید است که حماس به آن تن دهد و اگر هم تن در دهد تردید برانگیز است.

مفهوم این تهدید این است که فلسطینی ها در مصر به اتهام وابستگی به حماس بازداشت و به زندان انداخته می شوند. بیش از ۲۵۰ هزار فلسطینی در مصر به سر می برند. مصری ها به احتمال زیاد فشارها را بر یک میلیون فلسطینی در نوار غزه تشدید خواهند کرد و چه بسا همانند جنگنده های اسرائیلی مراکز حماس را هدف قرار دهند.

وی تاکید کرد: نمی خواهیم و آرزو نمی کنیم که مقامات مصر در جبهه واحد با اسرائیل دشمن اول مصر و جهان اسلام قرار گیرند و علیه جنبش مقاومتی که در معرض محاصره، گلوله باران و یورش اسرائیل برای ریشه کنی آن در هر لحظه قرار دارد موضع گیری کنند. نمی دانیم مشاور رهبران مصر کیست اما می دانیم که با این مشورت دهی مصر را به سوی سرنوشت نامشخص سوق می دهند و ارتش مصر را وارد بازی می کنند که نباید وارد آن شود.

عجله برای رفتن به جهنم!

تحلیل گران غربی این روزها با صراحت اعلام می کنند «آل سعود به زودی بهای حمایت خود از تروریست هائی که در سوریه به دستور آنها آنهمه انسان را کشته اند و آنهمه خانه و مسجد و کلیسا و اماکن اداری و عمومی را ویران کرده اند را خواهند پرداخت.»

اکنون حاکمان عربستان به این نتیجه رسیده اند که تروریسم دست پرورده خودشان به زودی به دروازه های کشور عربستان نیز برسد کما اینکه اروپائی ها نیز نگرانی خود را از اینکه تروریسم موجود در سوریه به زودی به دروازه های قاره اروپا هم برسد و همان مشکلاتی را برای کشورهای اروپائی فراهم کند که برای مردم سوریه به وجود آورده است پنهان نمی کنند. بدین ترتیب، صدور فتوای حرمت عملیات انتحاری با سال ها تأخیر اکنون به این دلیل در دستور کار آل سعود قرار گرفته که مشکل خود عربستان حل گردد و جلوی ورود تروریسم با کلاه شرعی به سرزمینی که محل تولد آنست جلوگیری شود. بعید نیست اروپائی ها هم با وارد آوردن فشار بر آل سعود در این تصمیم گیری سهمی داشته باشند. البته شکست سیاست ضد سوری غرب و عربستان و قطر نیز یکی دیگر از عوامل پشت پرده این تصمیم می تواند باشد.

با روشن شدن ریشه اصلی صدور فتوای حرمت عملیات انتحاری توسط مفتی اعظم کشور عربستان، اکنون سؤال دیگری مطرح می شود که مستقیماً متوجه حاکمان عربستان است. سؤال اینست که با توجه به فرمایشی بودن فتواهای مفتیان سعودی و پشتوانه ای که این فتواها از دلارهای نفتی عربستان دارند، چه کسی برای رفتن به جهنم عجله کرده است؟ جوانان احساساتی و بی اطلاعی که کمربندهای انفجاری تهیه شده از دلارهای نفتی عربستان را منفجر می کنند و آنهمه انسان بی گناه را به کشتن می دهند یا حاکمان عربستان که کارگردانان اصلی این صحنه هستند و مفتیانی که این عملیات با فتوای آنها انجام می شود و مفتی اعظم عربستان که با سکوت و همراهی خود با آنها مسبب آنهمه خون ریزی و جنایت شدند؟

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

کنیم و به یاد بیاوریم که ۲۶ مفتی سلفی در سال ۱۳۸۴ با صدور فتوائی در پوشش وجوب جهاد در عراق، پیروان خود را به کشتار مردم این کشور و تخریب اماکن مقدسه ترغیب و تشویق کردند، در سال های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ عده ای از مفتیان سلفی عربستان با صدور فتاوای متعدد، کشتار علویان سوریه، تجاوز به زنان آنها و تصاحب اموالشان را مباح اعلام نمودند و در قالب ده ها فتوا دستور جهاد نکاح و انواع و اقسام فسادها و خیانت ها را علیه ملت های مسلمان صادر کردند که در نتیجه آنها ده ها هزار نفر کشته شدند، هزاران خانه ویران شد، بسیاری از خانواده ها آواره شدند، ظلم ها و خیانت ها و فسادهای ناگفتنی فراوانی رخ داد کما اینکه این روزها نیز انتحاری ها در عراق به جان زائران حسینی افتاده اند و هر روز ده ها نفر را به شهادت می رسانند و از همه مهم تر اینکه چهره اسلام با تبلیغاتی که غربی ها با استفاده از این اقدامات خلاف به عمل آورند، در افکار عمومی جهان مشوه جلوه داده می شود. در این مدت و در برابر اینهمه فتوای خلاف و جنایات ناشی از این فتواها، آقای آل الشیخ مفتی اعظم عربستان سعودی ساکت ماند و در مواردی نیز با مفتیان همراهی کرد.

با توجه به این سکوت و همراهی، اکنون سؤال اینست که چه چیزی موجب شده است مفتی اعظم عربستان سعودی فتوا به جنایتکار بودن عاملان عملیات انتحاری بدهد؟

نکته مهمی که می تواند به پیدا کردن جواب این سؤال منجر شود اینست که در عربستان سعودی، هیچ فتوائی به ویژه اگر با مسائل سیاسی مرتبط باشد بدون اجازه حاکمیت صادر نمی شود. وجود مفتی در عربستان یک امر تشریفاتی است و مفتیان همواره تابع دستور و مطیع فرمان حاکمان هستند. بنابر این، تردیدی وجود ندارد که فتوای شیخ عبدالعزيز آل الشیخ علیه عملیات انتحاری، آنها با چند سال تأخیر، به دستور دولت عربستان صورت گرفته و دارای پشتوانه حکومتی است. اما اینکه انگیزه دولت عربستان برای گرفتن این فتوا از شیخ عبدالعزيز آل الشیخ چیست را می توان از تحلیل شرایط روز عربستان به دست آورد.

فتح الله گولن و جنبش خدمت!؟



پیرو دارد و برخی از این افراد در نهادهای قدرت، از پلیس و سرویس های مخفی گرفته تا دستگاه قضایی و خود حزب عدالت و توسعه، پست هایی کلیدی دارند.

گفته می شود که پیروان گولن چیزی بین ۵ تا ۲۰ درصد درآمدشان را به گروه های وابسته به این جنبش می پردازند. مدارس این جنبش معمولاً از تجهیزات ای با فناوری نوین برخوردارند و بسیاری از دانش آموزان آنها از بورسیهایی استفاده می کنند که هزینه آنها را تجار پیرو گولن تأمین می کنند.

با آنکه این مدارس سکولار هستند، معلمان موظفند نقش الگوی دانش آموزان را بازی کنند. سیگار کشیدن، نوشیدن مشروبات الکلی و طلاق گرفتن معلمان ناپسند دانسته می شود.

بازرگانان ترکیه ای دیدگاه بین المللی و برخورد عمل گرایانه گولن را به مسائلی نظیر استفاده از اعتبارات مالی می پسندند. به نظر می آید که ترکیب بشردوستی و تجارت موفق بوده و مدارس الهام گرفته از گولن از بازرگانان ترکیه ای در بازارهای تازه ای نظیر آفریقا و آسیای مرکزی حمایت کرده و کار آنها را آسان تر می کنند.

اما منتقدان معتقدند که هدف این جنبش دستیابی به قدرت، گسترش رفتارهای اجتماعی اسلامی و محافظه کارانه در مسائلی نظیر ازدواج و مصرف مشروبات الکلی در سراسر

شیخ عبدالعزيز آل الشیخ، مفتی اعظم عربستان سعودی، برای اولین بار و برخلاف مواضع معمولی خود، عاملان حملات انتحاری، که با فتوای مفتیان وهابی با منفجر کردن خود اقدام به کشتن مردم می کنند، را جنایتکار و مستحق ورود به جهنم دانست. مفتی اعظم عربستان سعودی در دانشگاه «ترکی بن عبدالله» ریاض در پاسخ به دانشجویان که از وی پرسیدند حکم افراد مسلمانی که با کمربندهای انفجاری و با ادعای شهادت به منفجر کردن خود و کشتن دیگران اقدام می کنند چیست؟ گفت: «کشتن دیگران از گناهان کبیره است و کسانی که خود را با این شیوه می کشند جنایتکارانی هستند که برای رفتن به جهنم عجله می کنند، خود را می کشند و دیگران را نیز نابود می کنند.»

جالب است که شیخ عبدالعزيز آل الشیخ برخلاف اظهارات همیشگی خود، نکات دیگری نیز در تقبیح و محکوم ساختن افرادی که مرتکب عملیات انتحاری می شوند گفته و موضوع را بسیار داغ و پراهیمیت دانسته است. وی در ادامه پاسخی که در دانشگاه ترکی بن عبدالله داد، افزود: «این افراد از راه خدا منحرف شده اند، افکارشان تغییر کرده و عقولشان با شر و فساد عجین شده بطوری که فرق میان حق و باطل را تشخیص نمی دهند.» وی این نکته را هم گفت که: «عملیات انتحاری از ابزار و وسائل دشمنان اسلام علیه جوانان مسلمان است و چنین افرادی برای هلاکت خود و جامعه به عنوان وسائل و ابزاری توسط دشمنان اسلام مورد استفاده قرار می گیرند و هر روز گروهی از مردم را با این اقدام زشت هدف قرار می دهند.»

این فتوای غیرمنتظره مفتی اعظم عربستان سعودی، هر چند بسیار دیر صادر شده ولی اقدامی قابل توجه است و در عین حال این سؤال مهم را مطرح می کند که چه چیز باعث شده وی مبادرت به صدور این فتوا کند؟ این سؤال هنگامی بیشتر اهمیت پیدا می کند که به سابقه فتواهای مربوط به عملیات انتحاری و انواع و اقسام کشتارها، تجاوزها و تخریب ها علیه مسلمانان در کشورهای عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان در سال های اخیر توجه

طرفداران «جنبش خدمت» (هیزمت) در ترکیه معتقدند این جنبش چهره مدرن و مسالمت آمیزی از اسلام ارائه می کند، اما منتقدان آن، انگیزه هایش را زیر سؤال می برند. جنبش خدمت از «فتح الله گولن»، مبلغ مذهبی ترک مقیم آمریکا الهام می گیرد.

نفوذ این جنبش بار دیگر در ترکیه در کانون توجهات قرار گرفته است. در این کشور اختلاف میان پیروان گولن و دیگر اعضا و شخصیت های طبقه سیاسی حاکم به واسطه مجموعه ای از دستگیری ها علنی شده است.

«بی بی سی» در گزارشی نوشته است: «گفته می شود اختلاف میان دو طرف بعد از اقدام دولت اردوغان مبنی بر تعطیلی شبکه ای از مدارس خصوصی تحت مدیریت جنبش خدمت تشدید شده است. تا پیش از این، جنبش خدمت در پیروزی های انتخاباتی حزب رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، نقش مهمی داشت.

حزب عدالت و توسعه که در اسلام گرای ریشه دارد، در سه دوره اخیر قدرت را در دست داشته است. اما نفوذ جنبش خدمت از مرزهای ترکیه بسیار فراتر می رود. این جنبش تأمین هزینه های صدها مدرسه علوم دینی، اندیشکده و رسانه را، از کنیا گرفته تا قزاقستان، برعهده دارد و توانسته میلیون ها هوادار و میلیاردها دلار پول را جذب کند.

جنبش خدمت فاقد ساختار رسمی و سازمان مشخص است و عضو رسمی ندارد. اما توانسته به یکی از بزرگ ترین شبکه های اسلامی در جهان تبدیل شود. این جنبش انجام امور عام المنفعه را تبلیغ می کند و پیروان آن می گویند که در چارچوب اتحادیه ای نه چندان مستحکم و ملهم از عقاید گولن با هم کار می کنند.

این پیشوای مذهبی، قرائتی روادار از اسلام را ترویج می کند که بر نوع دوستی، کار و تلاش و آموزش تأکید می کند. گفته می شود جنبش خدمت در ترکیه میلیون ها

جهان و سرکوب کردن مخالفان خود است. مخالفان این جنبش به ویدئویی اشاره می کنند که در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸ش) منتشر شد و در آن به نظر می رسد که گولن به پیروانش می گوید که باید سعی کنند به ساختارهای موجود قدرت نفوذ کنند.

گولن در این ویدئو می گوید: «شما باید بدون اینکه کسی متوجه حضورتان شود، در شریان های سیستم رخنه کنید، تا اینکه به تمام مراکز قدرت برسید. شما باید صبر کنید تا همه قدرت حکومت به دستتان بیفتد؛ تا موقعی که همه قدرت نهادهای منبعث از قانون اساسی در کنارشان قرار گیرند.»

یک سال بعد، گولن به تلاش برای تضعیف حکومت سکولار ترکیه متهم شد. او به آمریکا رفت و گفت که آن ویدئو دستکاری شده بوده است. او بعداً به طور غیابی از همه این اتهامات تبرئه شد. بسیاری از منتقدان برجسته جنبش گولن در ترکیه به زندان افتاده اند. این امر باعث شده برخی ادعا کنند که این جنبش در ترکیه به نیرویی مسلط و اهریمنی تبدیل شده است.

یکی از روسای پلیس که کتابی درباره نفوذ گولن در پلیس و دستگاه قضایی ترکیه نوشت و دو خبرنگار تحقیقی ترکیه ای به زندان افتادند. یکی از این خبرنگاران که «احمد شیک» نام دارد، در جریان بازداشتش فریاد زد: «هرکس به آنها دست بزند، می سوزد!»

گولن که اکنون ۷۲ سال دارد در ویلایی دنج در خارج یکی از شهرهای ایالت پنسیلوانیای آمریکا به دور از شلوغی زندگی می کند. او پیروانش را تشویق می کند که به جای مسجد، مدرسه بسازند و آنها را تشویق می کند که با تأسیس انجمن های گفت و گو، با پیروان ادیان دیگر تعامل کنند. با این حال، طرفداران بقای حکومت سکولار در ترکیه همچنان به او بدبین هستند، و تابستان گذشته شماری از فعالان در مقابل محل سکونت او تجمع اعتراضی بر گزار کردند.

تفاهم نامه کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و مجلس

برای استفاده بهینه و بهره‌گیری متقابل از ظرفیت‌ها، امکانات و خدمات علمی و پژوهشی، تفاهمنامه همکاری میان کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی منعقد شد.

رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، هدف از انعقاد این تفاهمنامه را هم‌افزایی و مضاعف کردن توان موجود برای دسترس‌پذیر کردن دانش به پژوهشگران اعلام کرد و افزود: در گذشته، همکاری‌هایی با کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی داشته‌ایم و امیدواریم این همکاری در آینده نیز به‌طور گسترده‌تری بین این دو سازمان انجام شود. محمدهادی زاهدی با اشاره به تأکيدات تولید عظمای آستان قدس رضوی مبنی بر این که باید تمام منابع مطالعاتی دنیا در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی گردآوری شود، گفت: سیاست کتابخانه آستان قدس رضوی، گردآوری تمام منابع منتشر شده چاپی است و بر این اساس، در چند سال اخیر، بیش از یک میلیون جلد کتاب به منابع کتابخانه‌های سازمان افزوده شده است. در ادامه این جلسه، رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی را افتخار کشور و نظام خواند و افزود: باعث افتخار است که کتابخانه‌ای بزرگ، رو به توسعه و با عمق و ریشه‌ای تاریخی در پایتخت معنوی ایران قرار دارد. دکتر محمد رجبی اضافه کرد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با محوریتی که در آسیای میانه و شبه قاره هند دارد، از اهمیت فراوانی برخوردار است و ما خرسندیم که در ارتباطی پیوسته با این کتابخانه، به توسعه آن و در کنارش به رشد خود کمک می‌کنیم.

همکاری و مشارکت در طراحی و اجرای طرح‌های پژوهشی راهبردی، کاربردی و افکارسنجی لازم برای طرفین، ارائه مشاوره به مسئولان بخش‌های نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ سنگی، سربی و دیجیتال و نیز اعزام مشاوران، بر حسب نیاز طرفین و برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای کتابداران در زمینه حفاظت و نگهداری کتاب‌های خطی و چاپ سنگی و کتابخانه مجازی و کتاب‌های دیجیتال از مفاد این تفاهمنامه است. گنجینه‌ای بی‌همتا، افزون بر ۶۰ هزار قطعه تمبر، به عنوان غنی‌ترین مجموعه تمبر در تاریخ گنجینه تمبر موزه آستان قدس رضوی، توسط یک مجموعه‌دار برجسته تهرانی به گنجینه تمبر، اسکناس و سکه آستان قدس رضوی اهدا شد.

مسئول گنجینه تمبر، اسکناس و سکه این سازمان با بیان مطلب بالا افزود: این مجموعه با ارزش که همگی به صورت ورق است، توسط فرامرز توکلی اهدا شده است. محمدحسین یزدی‌نژاد گفت: تمبرهای یادگاری جمهوری اسلامی، شامل تمبرهای بزرگداشت ارتش، بزرگداشت علامه سید محمدحسین طباطبایی، هزاره نهج‌البلاغه، هفته وحدت، میلاد حضرت عیسی مسیح(ع)، روز جمهوری اسلامی، یادبود شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، شهدای محراب، مبعث حضرت رسول اکرم(ص)، بزرگداشت فدائیکاری‌های رزمندگان اسلام، روز جهانی قدس، مجلس شورای اسلامی، روز بسیج، روز درختکاری، روز جهانی موزه، بزرگداشت بنیانگذار جمهوری اسلامی و ده‌ها موضوع دیگر است. او با بیان این که این مجموعه‌دار تهرانی که در سالیان طولانی، تمبرها را به صورت ورق جمع‌آوری کرده بود، به واسطه عشق و علاقه به بارگاه منور رضوی، این مجموعه غنی را به گنجینه تمبر، اسکناس و سکه موزه آستان قدس رضوی اهدا کرد، افزود: بیش از ۷۰۰ هزار قطعه تمبر تاریخی و فرهنگی از بیش از ۲۵۰ کشور و مستعمره سابق جهان در این گنجینه نگهداری می‌شود.

دیرکل نهاد کتابخانه های عمومی کشور:

موضوع سرانه مطالعه مسئله ای استراتژیک و راهبردی در مدیریت اوقات فراغت جامعه است

از کارهای روزانه را شامل می‌شوند. واعظی در ادامه تأکید کرد: هر مقدار بتوانیم با کمک رسانه ملی، آموزش و پرورش، وزارت علوم و باقی ساختار های کشوری مطالعه را ارتقاء دهیم موجب این خواهد شد که جامعه‌ای فرهیخته‌تر، اندیشمندتر داشته باشیم و امر خلاقیت در کشور ما توسعه پیدا کرده و بتوانیم در قله کشورهای که در زمینه توسعه علم، فکر و اندیشه در جهان هستند، نقش آفرین باشیم.

دیرکل نهاد کتابخانه های عمومی کشور در پایان خاطرنشان کرد: موضوع سرانه مطالعه مسئله ای بسیار مهم، استراتژیک و راهبردی در مدیریت اوقات فراغت جامعه ماست و رسانه ملی در این مسئه نقش بی بدیلی دارد. از که این توانستیم در خدمت آقای دکتر تقی رستم وندی و همکاران محترمشان این تفاهم نامه که منافع کاملاً ملی در مدیریت فرهنگ عمومی کشور دارد را به امضاء برسانیم، ان شاء الله در بهترین شکل این تفاهم نامه اجراء و برای کشور موجب خیر و برکت شود.

نیز انجام می‌شود؛ مثلاً در حین رانندگی موسیقی گوش می‌کنند، اما مطالعه اینطور نیست. بعد از اینها ورزش و بازی، صله ارحام و چیزهای دیگر زیر ۴۰-۵۰ دقیقه از کارهای روزانه را شامل می‌شوند.

وی همچنین افزود: موضوع مطالعه در منظومه اوقات فراغت ایرانیان موضوع بسیار مهمی است. به‌عنوان کشوری که قرار است کشور پیشرفته‌ای در سطح جهان باشیم باید بتوانیم کاری بکنیم که بخش عمده‌ای از اوقات فراغت مردم مان به موضوع کتاب و کتابخوانی ثبت شود و مردم اهل مطالعه باشند. امروز در منظومه اوقات فراغت ایرانیان بیشترین وقت را مردم برای دیدن برنامه‌های تصویری می‌گذارند. بعد از آن هم معمولاً مطالعه و موسیقی جایگاه دوم را داشته‌اند. حدود ۷۰ تا ۷۵ دقیقه از وقت روزانه مردم صرف یکی از این دو می‌شود. البته موسیقی در حین انجام دادم کارهای دیگر انجام می‌شود مثلاً در حین رانندگی موسیقی گوش می‌کنند، اما مطالعه اینطور نیست. بعد از این دو نیز ورزش و بازی، صله ارحام و چیزهای دیگر زیر ۴۰-۵۰ دقیقه

بودجه سالیانه کتابخانه‌ها کافی نیست

این میزان بودجه کفاف نمی‌کند. مهم این است که ما شرایط کشور را درک کنیم و متناسب با آن برنامه‌هایمان را تعریف کنیم. البته بخشی از این کمبود بودجه می‌تواند با مدیریت رویکرد در اجرای برنامه‌ها و بخشی هم با کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از موازی‌کاری، جبران شود.» صلاحی کاهش بودجه را با برنامه‌های بلندمدت این سازمان مغایر می‌داند: «اگر قرار است کتابخانه ملی در سال ۱۴۰۴ رتبه اول منطقه را در اختیار داشته باشد، باید ده‌ها و صدها میلیون تومان کتاب بخیریم که با چنین بودجه‌هایی این امکان وجود ندارد. تالار مخازن ما در حال حاضر هم پاسخگوی نیاز ما نیست و قطعاً تا سال ۱۴۰۴ این وضعیت بحرانی‌تر خواهد شد. ضمن اینکه ما برای نگهداری از ۱۰۰ هزار مترمربع فضای ساختمان سازمان اسناد و کتابخانه ملی و تعمیرات آن و نیز تهیه تجهیزات مورد نیازمان برای فعالیت‌های جاری خود، نیازمند بودجه هستیم؛ بودجه‌ای متناسب با ماموریت این سازمان.» صلاحی توجه ویژه مجلس به بودجه‌های مربوط به کتابخانه ملی را خواستار است: «از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تقاضا می‌کنم ضمن عنایت

منصور واعظی در مراسم امضای تفاهم نامه همکاری مابین «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و شبکه چهارم سیما» با تأکید بر اهمیت موضوع سرانه مطالعه در مدیریت اوقات فراغت جامعه، بر نقش تاثیرگذار رسانه ملی در ترویج این موضوع مهم تأکید کرد.

منصور واعظی در ابتدای این مراسم ضمن تبریک ایام مبارک ماه ربیع الاول تصریح کرد: موضوع مطالعه در منظومه اوقات فراغت ایرانیان موضوع بسیار مهمی است. به‌عنوان کشوری که قرار است کشور پیشرفته‌ای در سطح جهان باشیم باید بتوانیم کاری بکنیم که بخش عمده‌ای از اوقات فراغت مردم مان به موضوع کتاب و کتابخوانی ثبت شود و مردم اهل مطالعه باشند. امروز در منظومه اوقات فراغت ایرانیان بیشترین وقت را مردم برای دیدن برنامه‌های تصویری می‌گذارند. بعد از آن هم معمولاً مطالعه و موسیقی جایگاه دوم را دارد. حدود ۷۰ تا ۷۵ دقیقه از وقت روزانه مردم صرف یکی از این دو می‌شود. البته موسیقی در حین انجام دادم کارهای دیگر

یکی از بزرگ‌ترین معضلات فرهنگ میزان اندک بودجه است. درواقع بودجه‌ای که برای بخش‌های مختلف فرهنگی تعریف می‌شود چندان کفاف همه فعالیت‌های فرهنگی را نمی‌دهد. در این میان کتابخانه‌های عمومی کشور یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی محسوب می‌شوند. هرسال برای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بودجه‌ای تعریف می‌شود که اغلب هم کافی نیست.

اسحاق صلاحی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در نشست خبری که با هدف تشریح برنامه‌های نخستین همایش علمی بین‌المللی شیخ صفی‌الدین اردبیلی در محل این کتابخانه برگزار شده بود، در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه «بودجه کتابخانه ملی در سال آینده ۴۴ میلیارد و ۴۵۱ میلیون تومان پیشنهاد شده است. آیا این بودجه برای فعالیت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی در سال آینده کافی است و اگر ناکافی است، شما چه برنامه‌ای در پیش خواهید گرفت؟» می‌گوید: «من برنامه‌ای را به دولت داده‌ام که همان برنامه استراتژیک سازمان در سه سال ۹۱، ۹۲ و ۹۳ است. چنانچه بخواهیم این برنامه‌ها را اجرا کنیم، قطعاً

قحطی کتابخوان و کتابخانه

و جوانب موضوع حکایت از آن دارد که عامل اقتصادی را صرفاً در حد یک عامل تشدیدکننده می‌توان تلقی کرد و نه بیشتر.

حتی اگر مشکلات اقتصادی موجب حذف کتاب و اقلام فرهنگی از سبد خرید خانوار باشد - که خود این مساله نیز مذموم و تاسف‌برانگیز است - چگونه می‌توان کساد بازار کتابخانه‌های رایگان عمومی را توجیه کرد؟

اگر یک ایرانی علاقه‌ای به کتابخوانی به‌عنوان عادت دیرینه ایرانیان داشته باشد، در بدترین شرایط معیشتی نیز اگر قادر به خرید کتاب نباشد، می‌تواند به کتابخانه‌های عمومی مراجعه کند و در این صورت ما باید با صف طویل متقاضیان فرهنگ رایگان در کتابخانه‌ها مواجه باشیم که نیستیم.

تازه ابعاد فاجعه وقتی خوب نمایان می‌شود که دربابیم سرانه کتابخانه‌های عمومی ایران نسبت به جمعیت بسیار ناچیز و تا حدی نامناسب است. مراجعه به برخی کتابخانه‌ها در مناطق پرتردد تهران نشان می‌دهد شمار گردانندگان گاه از تعداد مراجعان بیشتر است. امری که جدا مایه حسرت و افسوس است. آن هم در کشوری که افتخارات تاریخی‌اش عمدتاً کتاب است و کتابخانه و نویسند و شاعر؛ و یکی از عادات قدیمی مردمانش کتابخوانی بوده است. به نظر می‌رسد عزمی همگانی لازم است برای احیای کتابخوانی و کتابخانه‌ها.

مدیر حوزه های علمیه قم:

ایجاد انجمن خیرین کتابخانه ساز کار بسیار پسندیده ای است

دیرکل کتابخانه های عمومی کشور به همراه مدیر کل کتابخانه های عمومی استان قم با حضور در مرکز مدیریت حوزه های علمیه، با آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری مدیر حوزه های علمیه سراسر کشور دیدار و گفتگو کرد.

آیت الله حسینی بوشهری گفت: کار کتابخانه های عمومی کار مهمی است، چون کتاب با روح انسان سروکار دارد و اگر انسانها مسجدی می شوند، حوزه ای می شوند، دانشگاهی می شوند، در پرتو فکر و اندیشه است و این فکر و اندیشه از کتاب بر می خیزد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیان ضرورت نیاز جامعه به کتاب و کتابخوانی گفت: برای جامعه ای که فکر و اندیشه دارد کتاب از نان شب هم واجب تر است ایشان افزود: کتاب میراث ماندگار از گذشتگان ماست و اگر جامعه ای با کتاب و کتابخوانی آشنایی لازم پیدا کند این جامعه هیچ موقع غبار محجوریت و فراموشی روی ان نمی نشیند و آن جامعه سربلند است.

ایشان ضمن اشاره به استقبال مشارکت مردم در دو نهاد آموزش و پرورش و هلال احمر، تشکیل انجمن خیرین کتابخانه ساز را کار بسیار خوبی دانست و گفت: مردم به دلیل فطرت پاک خود به هر کاری که در آن بعد دینی، الهی، مردمی، انسانی موج بزند، رغبت و علاقه نشان می دهند.

وی در پایان ضمن اشاره به ظرفیت حوزه های علمیه در خصوص تبلیغ و ترویج کتاب و کتابخوانی گفت: اگر بتوانم در این راستا قدمی بردارم آن را از واجبات زندگی خود می دانم.

یکم: سه اشتراک کلان بین شیعه و سنی

فراتر از تمامی مشترکات ریز و درشت تشیع و تسنن در حوزه‌های فکری، فرهنگی و علمی، سه مقوله‌ی مهم در این میان جایگاهی محوری‌تر را به خود اختصاص داده است. ویژگی این سه مشترک آن است که توجه و تمرکز بر آنها به ایجاد پیوندی انکارناپذیر، زوال‌ناپذیر و گسست‌ناپذیر بین شیعیان و سنیان می‌انجامد. این سه اشتراک کلان از این قرار است:

۱. ورود هر دو گروه به فضای اسلام از دروازه‌ی شهادتین: تنها معیاری که عنوان مسلمان بودن را بر شیعیان و سنیان قابل انطباق می‌کند، شهادتین است. در واقع این اولین و مهم‌ترین نقطه‌ی اشتراک آنها است که هر دو را به یک اندازه وارد اسلام می‌کند و به آنها اعتبار مسلمانی می‌بخشد.

۲. هویت اسلامی: جوشیدن هویت اسلامی برای شیعه و سنی از سرچشمه‌ی سه تلاش است؛ «انتساب به اسلام»، «افتخار به اسلام» و «اصرار بر عزت اسلام». این اشتراک مهم شیعیان و اهل سنت به دلیل دو خصلت کلان‌بودنش و نیز پویایی و زایشی بودن آن، ظرفیت پر دامنه‌ای را ایجاد کرده است. ظرفیتی که می‌تواند از یک طرف به خاستگاهی برای ایجاد حرکت‌های همگرایانه‌ی جدی‌تری بین شیعه و سنی باشد و از طرف دیگر، نقشی چهارچوب‌بخش، قالب‌بخش و کنترل‌بخش را نسبت به این حرکت‌ها در جهت رهیدن از تعصب ویرانگر و بازدارنده ایفا نماید.

۳. اشتراک در نقش حفظ امت اسلامی به عنوان امت: امکان و ایفای نقش برپاداری امت اسلامی و حفظ آن توسط سنی و شیعه، از دل یک منطق برمی‌خیزد: اولاً هر کدام جزئی از این امت هستند و ثانیاً بدون حضور و نقش‌آفرینی همزمان هر دو، امت قوام نمی‌یابد و لباس وحدت بر تن نمی‌پوشد.

دوم: افزوده‌شدن یک اشتراک کلان جدید

امروزه امواج جهانی‌شدن به سرعت فراگیر می‌شود و حوزه‌های مختلف را درمی‌نوردد. مواجهه با واقعیت دنیایی که شتابان در حال جهانی شدن است، نباید منفعلانه باشد. رویکرد انفعالی نه تنها ما را از مزیت‌های دوران جدید در راه بسط اندیشه‌های خود محروم می‌سازد، بلکه به شیوه‌ای فزاینده انزوا را در عرصه‌های مختلف دامن می‌زند. در واقع فضای جهانی‌شده یک بازار تعامل را پیش کشیده است که در صورت استفاده مناسب می‌تواند به گسترش اندیشه‌ها و معارف اسلامی و برقراری وحدت اسلامی بینجامد.

به هر حال، پیدایش «وضعیت‌های در هم تنیده و به یکدیگر گره‌خورده» ویژگی دوره‌ی جدید و محصول و مولود گسترش سریع و شتابان ارتباطات در سطوح مختلف است. در چرخه‌ی این درهم تنیدگی بی‌سابقه، مقولات بسیاری به صورت ویژه‌تری گره‌خوردن میان خود را به رخ می‌کشند. از جمله این مقولات که به سمت درهم تنیدگی بیشتر شتاب گرفته است، مقوله‌ی سرنوشت ملت‌ها است.

در این میان می‌توان دست کم به دو نوع «پیوستگی سرنوشتی» اشاره کرد: یکی پیوسته‌تر شدن هر چه بیشتر سرنوشت ملت‌ها به یکدیگر در سطح جهان که از آن می‌توان به «پیوستگی جهانی در سرنوشت» یاد کرد. این نوع از پیوستگی، روندی از صیوروت و پویش ویژه را در پیش گرفته است که باید گفت هنوز مشخصه‌های کامل و دقیقی از این صیوروت در دست نیست. این نوشتار به بحث از این نوع نظر ندارد، بلکه توجهش به نوع دوم پیوستگی است که سرنوشت اقوام، ملت‌ها و اتباع مذاهب اسلام را هدف گرفته است.

از این گونه می‌توان به «پیوستگی اسلامی در سرنوشت» یاد کرد. پیدایش این پیوستگی رو به پیش، دلائل مختلفی دارد. قوی‌ترین این دلائل آن است که اسلام حامل بار «تمدن تفهمی گسترده» است؛ یعنی تمدنی که از رهگذر اجتهاد (تلاشی تفهمی و دارای

چهارچوب، روش و منابع مشخص) صیوروت و تعامل خود را با عرصه‌های انسانی شکل می‌دهد.

سوم: بروز و نمودهای «پیوستگی در سرنوشت اسلامی»

چند صباحی است که پدیده‌ی «پیوسته‌تر شدن سرنوشت ملت‌های مسلمان به یکدیگر» اقتضانات خود یا حداقل نشانه‌های آن را پیایی و همراه با روندی رو به افزایش و با چهره‌ای جدی و ره‌ای از هر گونه تعارف و تسامح به بیرون آشکار می‌کند. این اقتضانات را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

غیر ممکن شدن رهاسازی سرنوشت هر مذهب از سرنوشت امت: به این معنی که شیعه و سنی دو ستونی هستند که سقفی را برپا داشته‌اند که همانا سقف امت اسلام است. نبود یکی از این دو ستون، وضعیت سقف را به خطر می‌اندازد و ستون دیگر را نیز فاقد کارکرد با تمام ظرفیت خود می‌کند.

غیر ممکن شدن جداسازی سرنوشت اتباع هر مذهب (به عنوان بخشی از امت) از سرنوشت اتباع مذهب دیگر: اگر اقتضای اول (پیوند سرنوشت اتباع هر یک از شیعه و سنی به سرنوشت امت و اسلام) را بپذیریم، لاجرم باید به درهم‌تنیدگی دو سرنوشت اتباع دو مذهب شیعه و سنی اذعان کنیم.

سرایت خدشه‌های وارده به سرنوشت هر یک از دو بخش امت به بخش دیگر امت: اگر آسیبی از سوی بدخواهان متوجه یک بخش از امت شود -خواه آن بخش شیعه باشد یا سنی- ناخودآگاه و در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت و قطعاً در درازمدت به طرف دیگر هم آسیب خواهد زد.

خودزنی کردن هر یک از شیعه و سنی در صورت تلاش علیه دیگری: به این معنی که اولاً هرگونه تحقیر یکی نسبت به دیگری متضمن «خودتحقیری» است. ثانیاً قداس‌زدایی هر یک از دیگری متضمن «قداس‌زدایی از خود» است. به این معنی که مثلاً به همین‌جا راه خواهد برد و به تعبیر دیگر، اجماع مرکبی را در نفی قداس‌های مسلمانان در عرصه‌ی گیتی عملاً به راه خواهد انداخت. ثالثاً تلاش هر یک برای به حاشیه بردن دیگری، به حاشیه راندن امت اسلامی است که خود مذهب تلاش‌کننده نیز بالتبع درون آن قرار دارد.

تلازم و تقارن «شیعه‌هراسی» و «سنی‌هراسی»: تزریق ادبیات شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به فضای مناسبات شیعی و سنی، از عمیق‌ترین چهارچوب‌های مفهومی و کارآمدترین برش‌های فکری است که توان بالایی را در شکستن نگاه‌های کلیشه‌ای و سطح‌اندیشانه از یک طرف و نیز منعکس نمودن خطری را در خود جای داده که در کمین مناسبات اسلامی نشسته است. تلازم و تقارن بین این دو مقوله در سه سطح وجود دارد:

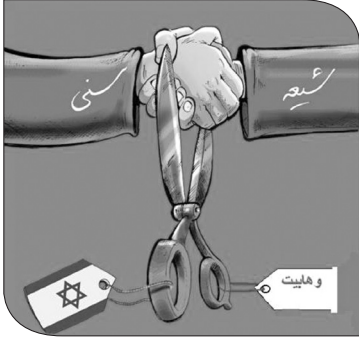
(الف) در سطح تحقق و شکل‌گیری بیرونی
(ب) در سطح هدف‌گرینی: به این معنی که هر دو، یک هدف را پی‌می‌گیرند.

امروزه اسلام‌هراسی یکی از پدیده‌های حاصل از اراده‌ی بدخواهان علیه اسلام است. مخاطب اسلام‌هراسی -که یک پروژه است و نه یک پروسه- افکار عمومی جهانی است. کوشش دشمنان بر این است که افکار عمومی جهانی نگاهی بدبینانه نسبت به اسلام پیدا کنند. در ذیل اسلام‌هراسی، زنجیره‌ای از هراس‌ها جای گرفته که همه در ارتباط با اسلام‌هراسی است؛ از جمله ایران‌هراسی و عرب‌هراسی. به بیان دیگر، راهبرد ایجاد هراس نسبت به اسلام همانا ایجاد هراس‌هایی است درون فضای امت اسلامی که بر اساس آن، بخشی نسبت به بخش دیگر دچار هراس شدید گردد.

در این میان آن چیزی که به عنوان حرکت جدی‌تر در حال تعقیب است، شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی با این رویه و برای رساندن مخاطبان به این نتیجه‌ی نادرست است که: شیعه‌هراسی موطن افکار عمومی مسلمانان سنی‌مذهب، و سنی‌هراسی موطن دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های شیعیان است. این در حالی است که

سرنوشت در هم تنیده شیعه و سنی

به قلم: حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی



شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی دو روی یک سکه‌اند که همان اسلام‌هراسی است. هراس‌های متقابل، هرکدام را به فکر سرنوشت خاص خود می‌اندازد. در نتیجه از این حقیقت غفلت می‌ورزند که سرنوشت مشترکی برای هر دو در قالب امت اسلام شکل گرفته است و این چنین تمرکز بر خرده‌سرنوشت‌ها باعث ایجاد فاصله‌های بزرگ میان

امت اسلام از یکدیگر خواهد شد. آن‌چه که به عنوان خروجی این وضعیت در دو اردوگاه شیعه و سنی اتفاق می‌افتد، این است که هر دو سرنوشتشان مخدوش و معیوب خواهد شد و لذا امت اسلامی به جای این که در مسیر رشد و نمو حرکت کند، در مسیر انزوا و عدم پیشرفت جهانی قرار می‌گیرد.

باید اذعان کرد که شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی دو پدیده‌ای است که زمینه‌های داخلی به تقویت، موفقیت و فعال شدن آن مدد می‌رساند. اگر فعالیت‌ها و اعمال غیر مسئولانه در هر یک از دو اردوگاه شیعه و سنی انجام گیرد، به ایجاد یا تقویت زمینه‌های رشد هراس در طرف مقابل منتهی می‌شود.

ابعاد اسلام‌هراسی در غرب با گذشت زمان و در صورت عدم کنترل آن توسط مسلمانان در آینده بیشتر خواهد شد و راه آن از شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی در جامعه‌ی اسلامی می‌گذرد. شیعه‌هراسی، سنی‌هراسی، ایران‌هراسی و عرب‌هراسی، زنجیره‌هایی به هم پیوندخورده‌ای هستند که همگی راه به اسلام‌هراسی می‌برند و درون آن تعریف می‌شوند.

(ج) در مرحله‌ی نتیجه‌بخشی: به این معنی که هر یک از دو هراس (شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی) همزمان یا با تأخیری نه‌چندان طولانی به هر دو گروه ضربه می‌زند.

صیانت کردن هر یک از دو گروه از خود در صورت کمک به دیگری برای برخوردار بودن از نشاط در فضای امت؛ به بیان دیگر، وضعیت شیعه و سنی به گونه‌ای شده است که هر یک از دو طرف برای این که بتواند سرنوشت خود و اسلام را حفظ کند، باید با مراقبت تمام، وضعیت‌هایی را پیگیری کند که در بخش دیگر این امت در حال رخ دادن است و بکوشد آسیب‌هایی را خنثی کند که متوجه بخش دیگر اسلام است.

چهارم: چه باید کرد؟

۱. افزودن بر احساسات و تعاملات: در این شرایط باید به‌سرعت به سمت افزودن بر «احساسات محبت‌زا» و گسترش بخشیدن به «ارتباطات تعامل‌ساز» میان شیعه و سنی حرکت کنیم. برای تقویت احساس‌های عاطفی، زمینه‌های پرباکار بسیاری وجود دارد که مهمل گذاشته شده‌اند. مناسب حج در نقطه‌ی کانونی این زمینه‌ها قرار دارد. حج اصولاً تمرین ایجاد و تقویت هم‌احساسی بین مسلمانان نسبت به یکدیگر است. حج بزرگ‌ترین برنامه‌ای است که در اسلام به صورت معجزه‌آسایی تعبیه شده تا بتواند مسلمانان را مکرراً در فضایی فارغ از هرگونه تعلقات، به سمت کسب بیشترین عواطف انسانی-معنوی و گسترده‌ترین روابط اخلاقی-الهی میان خود حرکت کنند و خود را از این حیث در مسیر تحول‌یابی و تولدپذیری مدام قرار دهند.

نگاهی به مناسک و فرازهای حج نشان می‌دهد که «احساس گم‌شدن در امت» از بارزترین عناصر و حالات ظهور و نمودیافته در آن است. لایه لایه‌ی حج، صحنه‌های بازتولید مکرر امت‌گرایی و امت‌خواهی است؛ از طواف همگرایانه و یکسان به دور کعبه گرفته تا تمرین رمی دسته‌جمعی شیطان، از تقریر هم‌خوان انجام واجبات گرفته تا دوری‌گزیدن هم‌سان از محرمات، از فعالیت یکسان در ظاهر گرفته تا کوشش‌های مشترک باطنی، همه و همه نشان می‌دهد که احساس بودن در امت و گم‌شدن در آن، با حج درآمیخته و در تار و پود آن حضوری تکرارشونده به هم رسانده است.

امت در حج و با داشتن چنین رویکرد اصیلی نباید شاهد وجود هراس میان خود و نسبت به خود باشد، بلکه باید امکانات احساسی انباشته در حج را به سمت هراس‌زدایی بارور سازد.

۲. تعیین خط قرمزها در مناسبات جهان اسلام: صرف آگاهی از خطر کافی نیست؛ باید به خشکاندن زمینه‌های هراس‌افکنی‌های متقابل همت

گماریم. باید مصلحت اصلی را در سرنوشت اسلام و امت اسلام متبلور ببینیم و آن را به عنوان خط قرمز و اصل اساسی لازم‌الرعایه در همه‌ی فعالیت‌ها و راهبردهای خود بدانیم. باید اذعان کنیم که اسلام اکنون بر سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفته که می‌تواند با وحدت کلمه، بسط و نفوذ پیدا کند و فرصت‌های نهفته (یا در حال تولد) در صیوروت‌های جهانی را به نفع خود برای حضوری پرتکاپو، پیشرفتی خیره‌کننده، قوت و قدرتی متعالی رقم زند و در مسیر انسانی‌سازی جامعه‌ی جهانی و متعادل ساختن روندهای جهانی، نقش اساسی ایفا کند. در غیر این صورت نه‌تنها توان ایفای نقش را از دست خواهد داد، که در مسیر انزوا نیز پیش خواهد رفت.

۳. دخالت عقلای امت: صدها امکان فکری و عملی در مقابل امت صف کشیده‌اند که می‌توانند خاستگاه‌های مطلوبی برای حرکتی همگرایانه قرار گیرند. در شرایط کنونی اقدام عقلای امت بر ایجاد کوشش متمرکز و متراکم نسبت به ایجاد حسن ظن متقابل، نقطه‌ی عطفی را در تحول در روابط شیعه و سنی شکل خواهد داد.

و صد البته این‌همه به شرط آن است که به لوازم چنین حرکتی تن دهیم. در این چهارچوب دخالت سریع عقلای شیعه و سنی به منظور عقد میثاق‌های جهان اسلامی ضرورتی غیر قابل انکار پیدا کرده است و سهل‌انگاری در این زمینه به معنی از دست رفتن فرصت‌های بزرگ است. اعاده‌ی این فرصت‌ها حتی اگر بعداً امکان‌پذیر گردد، به معنی اعاده‌ای است که پس از انقضای وقت و ایجاد هزینه‌های بسیار و کمرشکن برای امت رخ می‌دهد. عقلای قوم باید بر چند چیز تأکید کنند:

(الف) مبنا قراردادن آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»؛ ۱: عالمان در فتاوا و نخبگان در تصمیمات و ... باید به تطبیق جدی و گسترده‌ی این آیه بر آنچه امروزه در مناسبات شیعه و سنی می‌گذرد، همت گمارند. اگر هراس‌های موجود میان شیعه و سنی از آبشخور سوء ظن برمی‌خیزد، راه مقابله با آن، عمل به دستور قرآن است که باید از بسیاری از گمان‌ها برحذر بود.

(ب) مبنا قراردادن اصل «اتَّقُوا مِنْ مَّوَاضِعِ الثُّمَمِ» ۲: در تعریف و تشکیل مناسبات: بر این اساس، اجتناب هر طرف از بسیاری از امور که او را در معرض تهمت قرار می‌دهد و نیز شفاف‌سازی نگاه‌ها و رویکردها ضرورت پیدا می‌کند.

(ج) مبنا قراردادن آیه‌ی شریفه‌ی «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» ۳: فضاهای رسانه‌ای: بی‌گمان کلید بسیاری از تحولات، نگاه‌ها و رویکردهای اجتماعی در دستان رسانه‌ها قرار دارد. یکی از راه‌های مقابله‌ی جدی با راهبرد «ایجاد هراس دوجانبه»، بستن میثاق یا میثاق‌هایی فراگیر در سطح جهان اسلام در خصوص رسانه‌ها است. باید خطی روشن را ترسیم کرد و فراروی رسانه‌ها قرار داد. باید این واقعیت تلخ را که مسلمین همه‌ی رسانه‌های خود را به حال خود رها کرده‌اند، بر اساس آموزه‌های اسلام عزیز تغییر داد تا به فلاح و رستگاری رسید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی حُجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۲: همانا برخی گمان‌ها گناه است.

۲. از جایگاه‌های تهمت و بدنامی بپرهیزید.

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۶: اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری و بررسی کنید

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

علی رغم همه توطئه‌ها، وحدت اسلامی را محقق خواهیم ساخت

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی اختلافات و فتنه‌های مذهبی در دوره کنونی را در تاریخ اسلام بی‌نظیر توصیف و تأکید کرد: علی‌رغم همه توطئه‌ها و فتنه‌های مذهبی، وحدت اسلامی را محقق خواهیم ساخت.

آیت الله محسن اراکی در دیدار با هیئتی از نمایندگان حزب الله که در سالن همایش‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار شد، به برخی از شبهاتی که در مورد تقریب مطرح می‌گردد و دورنمای این مفهوم در جهان اسلام پاسخ گفت.

وی در این نشست اظهار داشت: جهان اسلام امروز مرحله خطرناکی از درگیری‌های خونین بین مسلمین را سپری می‌کند که تاریخ اسلام این چنین وضعیتی را شاهد نبوده است؛ درگیری شیعه و سنی که از سوی دشمنان امت اسلامی سامان یافته است، حتی در دورافتاده‌ترین روستاهای کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا جنوب آن و تاورترین نقطه شرقی جهان اسلام در اندونزی وجود دارد.

دبیر کل مجمع تقریب در ادامه بیان داشت: علی‌رغم این وضعیت و آسیب‌هایی که از آن متصور است، آینده امت اسلامی روشن است و همه اندیشمندان و علمای مخلص اسلامی در نهایت بر این مسئله صحنه خواهند گذاشت که وحدت مسلمانان و زایش امت واحده اسلامی ضروری است.

وی افزود: وحدت اسلامی ضرورتی شرعی است که قرآن کریم بر آن تأکید داشته و ویژگی مهم صفات مومنین را در دوری از تفرقه و درگیری توصیف می‌کند و تفرقه را از مهم‌ترین ویژگی‌های مشرکین و کفار بر می‌شمارد؛ چنان که آیه «فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكُمُ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ... وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا وَكُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» شاهی بر این مدعاست. ضمن این که رسالت همه پیامبران پیرامون اقامه دین، بر عدم تفرقه و اعتصام به ریسمان الهی استوار است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه سخنان خود مفهوم اخوت اسلامی را تبیین و خاطرنشان کرد: اخوت و برادری در اسلام یک مسئله قراردادی و صوری نیست بلکه یک رابطه حقیقی است که از سوی پیامبر اکرم(ص) برای همه مسلمانان به یادگار مانده و بر این مسئله تأکید شده است.

وی وحدت اسلامی را واجبی شرعی توصیف و تصریح کرد: آن چه امت اسلامی را از دیگر امت‌ها متمایز می‌کند، انسجام و یکپارچگی آن پیرامون محور ایمان، نبوت، قرآن کریم و عدم دوری از یکدیگر است لذا دین اسلام، حفظ وحدت را ضروری می‌داند.

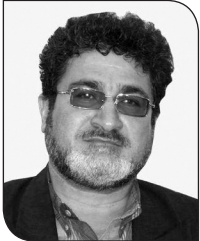
آیت الله اراکی در ادامه گفت: امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری جدا از اغراض سیاسی معین و یا شرایط اجتماعی و سیاسی همیشه بر مسئله وحدت که دربرگیرنده منافع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مسلمانان می‌باشد، تأکید داشته‌اند.

وی با اشاره به اقدامات موثر مجمع تقریب در نهادینه سازی انسجام اسلامی بین مسلمانان و فرهنگ تقریب، تصریح نمود: پیشنهاد پادشاه عربستان برای تاسیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و مذاهب علی‌رغم این که این کشور منبع صدور فتوایهای تکفیری و حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه است، نشان از تمربخش بودن تلاش‌های مجمع در راستای ایجاد تقریب و مطرح شدن طرح تقریب و فرهنگ تقریب است.

وی همچنین تأکید کرد: امروزه سخنان تقریبی تنها از ایران و یا مذهب تشیع صادر نمی‌شود و نواهای بسیاری از موسسات و مراکز مدنی و حکومتی در جهان اسلام که بر ضرورت تحقق تقریب و وحدت اسلامی تأکید دارد، شنیده می‌شود و این بزرگ‌ترین دستاورد تلاش‌های مجمع تقریب است.

مدیر گروه احیای میراث تقریبی عنوان کرد:

کنفرانس بین المللی وحدت، عاملی مهم برای همبستگی و اعاده عظمت امت اسلام



الف - کنفرانس سران (اعم از سران کشورها؛ احزاب؛ گروه‌ها و فرق...) که باید هر سه سال یک بار تشکیل شود؛

ب- کنفرانس وزرای فرهنگ و ارشاد کشورهای اسلامی که باید هر دو سال تشکیل شود؛

ج- کنفرانس فقهای معروف مذاهب هفتگانه موجود: امامی، حنفی، شافعی، مالکی،

حنبل، زیدی و اباضی که باید هر یک سال یک بار برگزار شود؛

د- اجلاس هیئته جمعه و جماعت کشورهای اسلامی که باید هر سال برگزار گردد؛

ه- اجلاس هیئت اساتید حوزه‌های علمی جهان اسلام، همچنین اساتید دانشگاه‌های و دانشکده‌های و... و مدیران مراکز و موسسه‌های پژوهشی و آموزشی اسلامی در تمام جهان که باید هر سال تشکیل شود؛

پیشنهاد دیگر من ایجاد «دیوان بین المللی عدل اسلامی» به عنوان رکن سازمانی کنفرانس وحدت اسلامی است؛ که حل و فصل مشکلات واقع میان مسلمانان بر عهده گرفته است.

همچنین مقر دبیرخانه کنفرانس وحدت اسلامی به موجب آیین نامه منشور در شهر تهران است، پیشنهاد می‌شود در جاهای مختلف؛ و هر بار در بزرگترین شهرهای معروف جهان اسلام مراسم برگزار شود.

تاسیس کمیته‌های تخصصی جدید کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی نیز ضلع دیگر طرح‌های پیشنهادی می‌باشد؛ این کمیته‌ها عبارتند از:

(الف) بانک توسعه اسلامی،

(ب) آژانس خبرگزاری اسلامی،

(ج) صندوق همبستگی اسلامی،

(د) کمیته دائم همکاری اقتصادی و بازرگانی،

(ه) کمیته دائم امور فرهنگی و اطلاعاتی مربوط،

(و) کمیته دائم همکاری امور تکنولوژی. و غیره...

برای رسیدن به وحدت، گفتگو در چه سطحی را موثر می‌دانید و چگونه؟ راهکار شما برای رسیدن به وحدت میان مسلمین چیست؟

مهمترین راهکار جهت همگرایی و انسجام اسلامی، گفتمان علمی و هدفمند است، بدین معنا که اندیشمندان دینی، فرقه‌های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، و گفتگوهای جدی انجام دهند. در این گفتگوها؛

۱- بر مسایل مشترک تأکید شده؛ مطمئناً مسائل مورد اتفاق میان مذاهب اسلامی بسیار فراتر از موارد اختلاف می‌باشد، اما غالباً مسائل مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته و مسائل و اعتقادات مشترک نادیده نگاشته می‌شود، که یکی از عوامل ایجاد اختلاف و دوری هر چه بیشتر مسلمانان از نقاط مشترک مسلمانان است.

همچنین توجه به دشمن مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را نشانه رفته‌اند، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می‌تواند می‌باشد.

شیخ الازهر:

تکفیر فتنه‌ای کور و فاجعه‌ای برای اسلام است

پیامبرگرامی اسلام(ص) را نزد دشمنانش مخدوش کرده است. وی با اشاره به آیه «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا». اظهار داشت: این آیه به همه مسلمانان می‌آموزد که از ریختن خون دیگری به شدت پرهیز کنند و مجازات بزرگی را بر قاتلان وضع کرده است.

شیخ احمد الطیب در ادامه گفت: دین اسلام هر گونه هراساندن و ترساندن مردم حتی برای مزاح را تحریم کرده است و به کسانی که با اقدامات تروریستی خود دست به انفجار می‌زنند وعده جهنم داده است.

وی گفت: رسول اکرم(ص) توازن و آزادگی را برای همه جهانیان به ارمان آورد تا انسانها از قید و بند جهالت و جبروت خارج شوند تا جایی که انسانیت مدیون پیامبر(ص) شده است.

شیخ الازهر با انتقاد از گسترش فتوایهای تکفیری در جهان اسلام، تأکید کرد: تکفیر فتنه‌ای کور و فاجعه‌ای برای اسلام است.

به گزارش خبرگزاری تقریب- (تنا)، شیخ «احمد الطیب» در سخنانی به مناسبت ولادت پیامبر گرامی اسلام(ص) با بیان این مطلب، خاطرنشان کرد: هدف از فتنه تکفیر تخریب دین واقعی و تبلیغی نادرست از دین مبین اسلام است.

وی افزود: شیوخ صادرکننده فتوایهای تکفیری در ظاهر ادعای اسلام و اسلام‌گرایی دارند اما این مانع نمی‌شود که آنها در قعر جهنم قرار بگیرند.

شیخ الازهر از جوانان منحرف شده توسط شیوخ فتنه خواست تا به مسیر حقیقی بازگردند و بیان داشت: این گونه اعمال همه مسلمانان را زیر سوال برده است و چهره

خبرگزاری تقریب: کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی به عنوان یک فعالیت بین المللی اسلامی، دارای اعتباری جهانی است.

بیست و هفتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در حالی آغاز خواهد شد که جهان اسلام شرایط ویژه ای را پشت سر می‌گذارد. با وجود شرایط بحرانی در عراق و سوریه و لبنان و... این کنفرانس می‌تواند نتایج بسیار تأثیرگذاری بر بلاد اسلامی داشته باشد. در همین زمینه با آقای شالیف مدیر گروه احیای میراث تقریبی پژوهشگاه مطالعات تقریبی هم صحبت شده ایم:

به کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی نزدیک می‌شویم با توجه به حضور چندین ساله جنابعالی در این کنفرانس، روند برگزاری این کنفرانس را طی این سالها چگونه می‌بینید؟

کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی به عنوان یک فعالیت بین المللی اسلامی، دارای اعتباری جهانی است و امروزه به عنوان یکی از بزرگترین جشنواره‌های اسلامی در جهان قلمداد می‌شود. در زمانی که جهان اسلام آماج تهمت‌ها و افتراهایی همچون تروریسم قرار گرفته است و بسیاری از کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری مورد حملات نظامی و فرهنگی قرار داده و کشورهای عراق، افغانستان، سوریه و... تاکنون در آتش کینه و عداوت جهان‌خواران درحال سوختن است وجود فعالیتهای فرهنگی و سیاسی فراملی که هدف آن اتحاد امت اسلام باشد لازم و ضروری می‌نماید.

کنفرانس بین المللی وحدت هم اکنون با داشتن امکانات عظیمی می‌تواند به عنوان یک عامل مهم برای همبستگی و اعاده مجد و عظمت امت اسلام به صورت یک کل واحد دورنمای بسیار روشنی برای دنیای اسلام رقم بزند.

با توجه به چنین امکانات مادی و انسانی موجود و شرایط جهانی که امروزه حاکم است؛ نقش و جایگاه مجمع جهانی تقریب مذاهب با فعالیت‌های خود که یکی از آنها برپایی کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی است، بیش از پیش برجسته تر می‌شود.

تاریخ اسلام منبع الهام اندیشمندان مسلمان و مایه حرکت در میان نیروهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... جوامع اسلامی است، اعتقاد به وحدت که از هنگام ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان به عنوان یک اندیشه در جوامع اسلامی حاکم بود از ارزش‌های سیاسی ریشه می‌گیرد و پایه‌ای دینی دارد.

بلکه؛ قرآن کریم راهنمای جاودانه مسلمانان شامل اشارات و تصریحاتی است که ارزش‌های فراتر از سیاسی و جغرافی را در این زمینه منعکس می‌سازد.

هدف اصلی برگزاری کنفرانس وحدت، دستیابی به وحدتی پایدار بین مسلمین است به نظر شما کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی چه اهداف دیگری را باید مد نظر قرار دهد؟

(۱) پیشبرد اهداف مشترک اسلامی؛

(۲) تحکیم همکاری میان شرکت‌کنندگان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر امور حیاتی؛

(۳) تلاش برای حذف جداسازی و تبعیض مذهبی و رفع تکفیرگرایی در همه اشکال آن.

(۴) دست زدن به اقدامات لازم جهت پشتیبانی از صلح و امنیت بین مسلمانان؛

(۵) هماهنگ سازی همه کوشش‌ها برای حراست از اماکن مقدس و پشتیبانی از نبرد مسلمانان فلسطین؛ سوریه؛

یمن؛ بحرین؛ و کمک به آنها برای استیفای حقوقشان

(۶) حمایت از همه مسلمانان برای حفاظت از منزلت، استقلال و حقوق ملی آنها.

(۷) آفرینش فضای مناسب برای بهبود و همکاری و تفاهم میان کشورها اسلامی.

جنابعالی برای بهبود کنفرانس وحدت اسلامی چه پیشنهادی دارید؟

پیشنهاد بنده برگزاری کنفرانس‌های بین المللی وحدت‌افزین دیگر در کنار این کنفرانس است، این کنفرانس‌ها در کنار کنفرانس وحدت می‌توانند به ایجاد وحدتی پایدار کمک کنند که این طرح‌ها عبارتند از:

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

انتشار جلد دوم «تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی» بر اساس اسناد ساواک

ایینا: جلد دوم کتاب «تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی» به قلم محمدعلی بهمنی‌قاجار که به جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک اختصاص دارد به همت موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شد.

این پژوهش با استفاده از انبوه اسناد نشان داده که حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه در جهان عرب و به ویژه در میان مقامات مسوول در حکومت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس امری مسلم و بی شبهه بوده و شخصیت‌های مهم جهان عرب از جمله زاملاران، دولتمردان و مقامات دیپلماتیک کشورهای گوناگون عربی و البته بیش از همه مقامات مسوول در کشورهای حاشیه خلیج فارس بارها به بیانی صریح و مشخص بر حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه اذعان داشته‌اند.

اسناد ساواک منبع اصلی این تحقیق است و شالوده پژوهش بر مبنای این اسناد استوار است. اسنادی که دربرگیرنده واقعیت‌هایی ارزشمند درباره حاکمیت ایران بر جزایر بوده و روایتی مستند از ابعاد گوناگون حق حاکمیت ایران بر جزایر هستند. با کمک حدود چهار هزار سند ساواک که مبنای تدوین کتاب حاضر بوده‌اند ناگفته‌های بسیاری درباره حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر بازگو شده‌اند و صدها سند رونمایی شده که مستنداتی محکم از حق حاکمیت ایران بر جزایر را فاش می‌کنند.

پژوهش حاضر افزون بر بررسی تفصیلی از اصول و دلایل حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر سه‌گانه به دیدگاه کشورها و حکومت‌های عربی درباره این موضوع و به ویژه نگاه شیخ نشین‌های حاشیه جنوب خلیج فارس نسبت به آن پرداخته و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است.

این کتاب نشان می‌دهد که شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس از قطر و دبی گرفته تا فجیره، عجمان و ام‌القوین و حتی ابوظبی و شارجه و راس‌الخیمه نه ادعایی بر جزایر ایرانی داشتند و نه عنادی با تمامیت ارضی ایران، بلکه در مقاطع گوناگون به حاکمیت ایران بر جزایر اذعان داشته و حتی گاه برخی از آن‌ها صادقانه در راه تداوم و حفظ این حاکمیت کوشا بودند.

آن‌چه که در برهه‌هایی منجر به طرح ادعاهایی علیه حاکمیت ایران بر جزایر از سوی برخی شیخ نشین‌ها می‌شد، نه انگیزه و اراده طبیعی آن‌ها بلکه اعمال فشار استعمار انگلیس و در پاره‌ای اوقات هم تهدیدات دولت‌های تندرو و افراط‌گرای عرب به ویژه نظام بعثی عراق بود اما هنگامی که این اعمال فشارها و تهدیدات کم اثر می‌شد، شیخ نشین‌ها و دولت‌های حاشیه جنوب خلیج فارس نه تنها ادعایی علیه حاکمیت ایران بر جزایر مطرح نمی‌کردند بلکه ضمن اذعان بر حق مالکیت ایران بر جزایر، تلاش می‌کردند تا پیوندهای خود با ایران مستحکم‌تر سازند.

تصریح شیوخ جنوب خلیج فارس به حاکمیت ایران بر جزایر، نامه رسمی مقامات شارجه به ایران و اذعان این امارت به حاکمیت ایران بر ابوموسی، تقاضاها و پیشنهادهای مکرر راس‌الخیمه برای اعتراف به مالکیت ایران بر جزایر تنب در قبال کمک‌های مالی، پذیرش عملی حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه به وسیله امارات متحده عربی، همکاری عملی شارجه با حاکمیت مطلق ایران بر سراسر ابوموسی، مختومه بودن هرگونه ادعا علیه مالکیت ایران بر جزایر و سرانجام اعمال حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه و توسعه و سازندگی در این جزایر و به ویژه در ابوموسی از دیگر مواردی هستند که در کتاب به آن‌ها اشاره شده است.

دکترصادق آیینه‌وند:

پژوهشگاه علوم انسانی در مسیر تولید علم حرکت خواهد کرد



بتوانم گزارشی از علمکرد این پژوهشگاه ارایه بدهم.

تغییر و تحول در آیین‌نامه‌های پژوهشی اولویت ماست

وحید احمدی، معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به این‌که تفکر، لازمه فعالیت پژوهشی و آموزشی است و به شور و نشاط و تحرک مداوم نیاز دارد، گفت: اطمینان، امنیت خاطر و نشاط از ملزومات تداوم پژوهش و خلاقیت است. در حماسه سیاسی که صورت گرفت خوشبختانه این فضا فراهم آمد و نگرانی و دغدغه‌هایی که ایجاد شده بود به شکل قابل توجهی برطرف شد. این آغاز مبنای تحول در مجموعه تولید علم واقعی خواهد بود. هنگامی که فضا امنیتی نباشد و دانشگاه‌ها در آرامش به فعالیت ادامه بدهند، تولید علم جایگاه واقعی را پیدا می‌کند.

وی با بیان این سوال که آیا نیازمند آن نیستیم که پژوهش را با نگرش نوینی شروع کنیم؟ اظهار کرد: در مدتی که در مجموعه صنعت و دانشگاه حضور دارم، مهم‌ترین مساله را فهم از پژوهش می‌دانم. اگر معنای درست پژوهش را بدانیم رو به جلو حرکت خواهیم کرد. همه ما شعار پژوهش می‌دهیم اما پژوهش و مفهوم آن به درستی تبیین نشده و در فهم آن مشکل داریم. ساده‌ترین بدفهمی‌ها در حوزه پژوهش این است که پژوهش هزینه دارد اما معتقدم پژوهش، تولید ثروت برای کشور است.

معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری افزود: پژوهش پرستیژ نیست و علم باید در زندگی مردم جایگاه خود را داشته باشد و زندگی ما را متحول کند. پژوهش در کشورهای اروپایی و در بخش‌هایی مختلف چون مدیریت، سیاست و زندگی مردم عادی نقشی

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بررسی، پیشگیری و مقابله با تهدیدات از اولویت‌های ضروری و حیاتی برای دفاع از هویت و موجودیت کشور است. دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان الهی، تأکید و توجه ویژه‌ای نسبت به تهدیدات نرم معطوف داشته است. در این راستا قرآن کریم موارد متعددی از تهدیدات نرم را برشمرده و ضرورت توجه به آنها را به مسلمانان متذکر شده است.

نویسنده‌ی محترم در اثر حاضر کوشیده است ماهیت، چگونگی، روش‌ها و شیوه‌های تهدیدات نرم را در «عرصه‌ی سیاسی»، از دیدگاه قرآن کریم بررسی و تبیین نماید که امید است مورد توجه علاقه‌مندان قرار گیرد.

جدال خاطرات

(نقدی بر خاطرات چپ در ایران)



تألیف: محمود لالوی

قیمت: ۷۰,۰۰۰ ریال

معرفی کتاب: حوادث و وقایع گسترده‌ای در تاریخ معاصر ایران روی داده است و ثبت و تدوین این حوادث از نگاه بازگیران و شاهدان آن در قالب خاطرات، که مدعی‌اند گزارش دست اولی از هر حادثه به دست می‌دهند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. نوشتن خاطرات در اصل با هدف انتقال تجربه‌های نویسندگان آن به نسل جدید صورت می‌گیرد و خواه‌ناخواه حاوی درس‌ها و پیام‌هایی برای نسل‌های بعدی است و در این راستا تا اندازه‌ای کاستی‌های آثار دیگر را در روشن شدن زوایای تاریخ و مهم‌م تاریخ این دوران آشکار می‌سازد. گرچه خاطرات به تنهایی نمی‌توانند اساس و پایه‌ی

دکترصادق آیینه‌وند، مدیر جدید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مراسم معارفه‌اش گفت: هدف اصلی‌ام در بزرگترین پژوهشگاه کشور که ۳۵ سال از نزدیک با آن ارتباط دارم، این است که با شفافیت، اخلاقی‌مداری، قانونمداری و عدالت‌محوری در مسیر تولید علم پیش برویم.

مراسم تودیع و معارفه رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۷ دیماه) در این پژوهشگاه برگزار شد. در این مراسم، حمیدرضا آیت‌اللهی جای خود را به صادق آیینه‌وند داد.

دکترصادق آیینه‌وند در این مراسم با بیان این‌که ۳۵ سال است از نزدیک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را می‌شناسد، اظهار کرد: هدف ما به عنوان پژوهشگاه علمی تولید علم است و هیچ مقامی بالاتر از آن نیست. در احادیث نیز آمده هیچ فضیلتی بالاتر از علم نیست. در واقع دانش، برهان و حجتی است که وظیفه آن بسیار بالا و تحقیق برای تسهیل امور زندگی مردم به‌شمار می‌رود.

مدیر جدید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: این پژوهشگاه بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی در کشور است و تلاش می‌کنم در ادامه مسوولیت‌های مهدی گلشنی و حمیدرضا آیت‌اللهی وظایفم را با شفافیت، اخلاقی‌مداری، قانونمداری و عدالت‌محوری انجام دهم. در ۶۲ سال عمرم به پست و مقامی رغبت نداشت‌م و این مسوولیت را پس از ۳۰ روز که تلاش کردم فرد دیگری را جایگزین کنم، پذیرفتم. برنامه‌ای که در نظر دارم این است تا با تکریم استادان به نقطه‌ای برسیم که بتوانیم از راه علم به نظام و مردم خدمت کنیم به‌ویژه این‌که در دولت تدبیر و امید تولید علم از جایگاه والایی برخوردار است.

وی بیان کرد: هدف ما جلو رفتن است و انگیزه خاصی جز تولید علم نداریم. اگر در تولید و پیشبرد علم موانعی باشد، برطرف می‌کنیم. به‌ویژه در نوآوری و کشف در حوزه علوم انسانی که برپایه اتصال به ریشه‌های فرهنگ غنی تمدن اسلامی و نیاز کشور است، قدم برمی‌داریم. غنی‌سازی، اسلامی‌سازی و بومی‌سازی هدف مهم ماست و هیچ مانعی نمی‌تواند جلو ما را بگیرد. امیدوارم به‌زودی

تهدیدات نرم سیاسی در قرآن کریم

تألیف: محمدجواد جآوری

قیمت: ۱۳۰,۰۰۰ ریال

معرفی کتاب: امنیت یکی

از حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین

دغدغه‌ها و نیازهای اصلی هر

جامعه‌ای است، به‌طوری که

بدون وجود امنیت ابعاد دیگر

زندگی تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. به همین دلیل جوامع سعی نموده‌اند با استفاده از ابزارها و راه‌های ممکن، خود را در مقابل تهدیدات حفظ نمایند. امروزه با متنوع شدن شیوه‌های جنگ، صورت جنگ‌ها از نبردهای رو در رو و نظامی به نبردهای اطلاعاتی و روانی و جنگ‌های نرم تبدیل شده است. تهدید نرم مجموعه اقداماتی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. در واقع تمام تحولاتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی به خطر افتد یا باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین کننده‌ی هویت ملی و دینی یک کشور شود، تهدید نرم به‌شمار می‌آید. هدف اصلی تهدید نرم، حذف باورمندی نخبگان و مردم در یک نظام سیاسی، سلب اراده و روحیه‌ی مقاومت و در مجموع استحاله‌ی فرهنگی و سیاسی است.

تهدیدات نرم دارای عرصه‌هایی نظیر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. عرصه‌ی سیاسی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تهدیدات نرم به شمار می‌رود که این تهدیدات وسیله‌ای مؤثر برای فشار بر کشورهای ضعیف، همیشه مورد استفاده‌ی قدرت‌های استکباری بوده است. در این برهه‌ی حساس تاریخی شناخت،

فعال دارد اما جامعه ما از این امر فاصله گرفته‌است. در انگلیس، بخش بالایی از درآمد بر مبنای علم، فناوری و پژوهش به دست می‌آید اما در کدام وزارتخانه ایران چنین اتفاقی می‌افتد؟

احمدی با اشاره به تحریم‌های ایران از سوی دیگر کشورها بیان کرد: تحریم ایران با وجود تخریب‌هایی که در زندگی و آسایش مردم به‌وجود آورد به پژوهش خدمت بسیاری کرد اما با این حال علوم انسانی در کجای زندگی ما نقش دارد؟ معتقدم برای درک ارزش هر مساله‌ای باید تصور کنیم که اگر آن را از زندگی مردم حذف کنیم، چه تغییری در وضع دیگران اتفاق می‌افتد؟ حال همین مقایسه را درباره علوم انسانی و حذف آن از جامعه انجام دهید و ببینید چقدر آسیب می‌بینیم؟ آسیب‌های اجتماعی مانند زندان، طلاق، فرار مغزها، جابجایی اقوام، مسایل آموزشی و پرورشی و دانشگاه‌ها همگی ارتباط مستقیمی با علوم انسانی دارند که باید از نقش این حوزه در حل آن‌ها استفاده کرد.

وی گفت: در آیین‌نامه وزارت علوم مشکلات بسیاری وجود دارد، حتی در بخشی از آن اهانتی به حوزه پژوهش شده به این صورت که اگر عضوی از هیات علمی نتواند در طول سه سال متوالی امتیاز کافی به دست آورد به عضو پژوهشی بدل می‌شود که این دید اشتباه و توهین‌آمیز است. تلاش می‌کنیم با تغییر چنین آیین‌نامه‌هایی جایگاه پژوهش را به‌ویژه در بحث علوم انسانی ارتقا دهیم. حمید آیت‌اللهی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این مسیر حرکت کرد و امیدوارم صادق آیینه‌وند نیز در مسوولیت جدیدش موفق باشد.

حمیدرضا آیت‌اللهی نیز در این مراسم با بیان این‌که مدت چهار سال و نیم در این پژوهشگاه مدیریت داشته، اظهار کرد: از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بازدهی و خروجی کار ۹ برابر شده که این نشان از فعالیت بالای استادان دارد. از هر چهار عضو علمی یک مجله علمی و پژوهشی تولید شده که کار سنگینی است. در طول حدود چهار سال بیش از یک‌هزار و دویست مقاله علمی و پژوهشی در پژوهشگاه تولید شده که کار بزرگی به‌شمار می‌رود و نشان از فعالیت استادان این مجموعه دارد. این در حالی است که بودجه این پژوهشگاه به اندازه تورم افزایش پیدا می‌کرد.

شناخت تاریخی محسوب شوند اما از ارکان اساسی آن به‌شمار می‌روند و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

از سوی دیگر اقبال جامعه‌ی ایران به مطالعه‌ی تاریخ معاصر ایران و مخصوصاً خاطرات، نشانگر آن است که هموطنان ما به دنبال یافتن بی‌واسطه‌ی ریشه‌ها و علل حوادث این دوره هستند. انتشار روزافزون تحقیقات تاریخی و همچنین انتشار گسترده‌ی خاطرات فعالان سیاسی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، گواهی بر این علاقه‌ی وصف‌ناپذیر و تلاش جامعه‌ی ایران در شناختن همه‌جانبه‌ی گذشته‌ی خود و تجربه‌اندوزی از آن است. گستردگی و تنوع خاطرات و همچنین اعمال نگرش‌ها و سلیقه‌های شخصی و گروهی نویسندگان، باعث شده تا انبوه خاطرات با نگرش‌های متفاوت نوشته شود. زیرا خاطرات از یک طرف تجربه‌های شخصی و از سوی دیگر یکسونگری‌ها و علایق نویسندگان آن را نشان می‌دهد. وابستگی‌های عقیدتی و سازمانی هم، مانند نگرش‌های شخصی، نقشی مهم و تعیین‌کننده بر نگرش نویسنده‌ی خاطرات دارد.

اعضای حزب توده با نگارش گسترده‌ی خاطرات خود نمونه‌ی جالب این نگرش‌ها را در نوشته‌هایشان به نمایش گذاشته‌اند که در آن می‌توان علاوه بر خصوصیات عمومی خاطرات، ویژگی‌های خاصی از جمله هتاکی، تضاد عقیدتی، تسویه حساب شخصی و گروهی و صفات دیگری از این قبیل را سراغ گرفت. وجود این ویژگی‌ها در اغلب خاطرات مذکور باعث شد که پژوهش حاضر با نگاهی نقادانه به بررسی خاطرات اعضای سابق حزب توده پرداخته و ویژگی‌ها، مشخصات و روح کلی حاکم بر آنها را با ارائه‌ی مصادیق آشکار سازد.